

بهریک از این مستندات چه حقوقی تعلق میگیرد و حکم کدامیک از آن محمولات بستی را دارند و هیچ وجهی در اینجا ذکر نشده چون ممکن است بعضی بگویند آن حتی که برای پاکت سفارشی است باید شامل حال این اوراق شود و بعضی بگویند باید حق پاکت‌های هادی که شش شاهی است از این ها گرفته شود و بعضی ممکن است بگویند حقوق مغفله که در اینجا ذکر شد باید داده شود برای اینکه این اشکالات و اختلافات رفع شود خوب است در اینماده تصریح شود که این اشیاء از حکم فلان ماده مستثنی است و در حکم فلان ماده است این اصلاح اشکالی ندارد پس معلوم است با خود ماده کسی مخالفت نمیکند و آنچه گفته میشود برای تکمیل ماده است **مخبر** - بنده قبول میکنم که راجع شود بکمیسیون و فقراتی که لازم است آن شبیه شود.

نایب رئیس - آقای مغیر قبول کردند که اینماده برگردد بکمیسیون و آن مطالبی که لازم است بآن ملحق شود ماده (۱۹) تأیید فرمائید و رأی میگیریم ماده مزبور با اضافه جمله دوازده متعلق راجع بجرائد مجدداً قرائت شد.

نایب رئیس - رأی میگیریم به ماده (۱۹) باین مضمون که قرائت شد آقایانیکه باینماده موافقت فرمایند.

(عده کثیری قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد.

اگر مخالفتی نباشد چون ظهر است جلسه را ختم کنیم دستور جلسه آتی هم بقیه شود دوم قانون بستی وقت آن روز سه شنبه ۲ ساعت قبل از ظهر است (مجلس موقع ظهر ختم شد)

جلسه ۴۹

صورت مشروح مجلس روز سه شنبه دوم شعبان ۱۳۲۳

مجلس دو ساعت قبل از ظهر در تحت ریاست آقای معذل الدوله نایب رئیس تشکیل و دستور روز ۱ شنبه ۲۹ شهر رجب قرائت شد.

قائنین بدون اجازه آقای ناصر الاسلام

نایب رئیس - در صورت مجلس نظریاتی هست؟ (نظریاتی نبود) صورت مجلس تصویب شد. دستور امروز بقیه شود دو قانون بستی. البته خاطر آقایان هست که در جلسه گذشته ماده چهاردهم قانون بستی رد شد بجای آن ماده آقای حاج عراقی پیشنهادی کرده اند قرائت میشود

(بعضیون ذیل قرائت شد)

ماده ۱۶ - امتیاز انحصاری طبع و فروش تمبر بستی و سایر علامات راجعه بفقیر بستی با دولت است طبع و تهیه تمبر بتوسط وزارت مالیه خواهد بود.

حاج عزالمالک - در جلسه قبل اینماده بدون قسمت اخیر که بنده اضافه کردم در موقع رأی دادن رد شد چون بنده اساس این ماده را لازم میدانم تصدیق کرد که انحصار و امتیاز طبع و فروش تمبر با دولت است و اشخاص متفرقه حق ندارند که تمبر را طبع نموده بفروش برسانند یا یک نوع علامات بستی نمایند و اگر یک همچو ماده طرح نکنیم و در

قانون بستی نگذاریم اسباب اشکال خواهد شد و اساساً آقایان تصدیق خواهند فرمود که در قانون بستی یک همچو ماده لازم است منتها بعضی نظریات در این بود که این ماده رد شد و گمان میکنم باعث رد شدن این ماده این بود که شاید باغی بنایند گمان صلاح نمیدانستند اداره بستی مستقلاً خودش هم تمبر را تهیه و طبع کند و هم خودش بصرف فروش برساند بجهت اینکه شاید آن وقت آن نظارت واقعی سکه باید از طرف دولت در محاسبات آن بشود نمی شد باین دلیل بنده یک قسمتی بآخر اینماده اضافه کرده ام که همانطوری که در قانون تشکیلات مالیه گفته شد تهیه و طبع تمبر با وزارت مالیه باشد و این مسئله در قانون بستی هم باید تصریح شود چون فروش تمبر منحصراً اداره بستی نیست و در اغلب ادارات ما مثل عدلیه اداره زندگانه و همچنین سایر وزارتخانه ها معمول است و هر کدام یک ترتیبی استعمال تمبر می کنند منتها اداره بستی هم بترتیب خودش استعمال مینماید فرسش فرمائید اگر بنا شود هر وزارتخانه آن تمبری را که میخواهد بصرف برساند خودش تهیه نماید آن مرکزیتی که ما در نظر داریم و آن محاسبات که از جهت نگاهداری تمبر از طرف دولت باید بشود بکلی از میان میرود باین دلیل باید مرکز آن وزارت مالیه باشد و از وزارت مالیه بهر یک از وزارتخانه ها که تمبر لازم دارند تقسیم شود محققاً اشکال آن تمبر ها هم باید فرق دارد و هر وزارتخانه یک قسم تمبر باید استعمال نماید وزارت مالیه باید برای این کار مرکزیت داشته باشد که بتواند محاسباتش را بخوبی نگاهداری کند چه تمبر طبع شده و بهر یک از وزارتخانه ها چه تمبر تحویل داده شده است که هر وقت حساب آن را بخواهد آن اداره بزودی صورت حساب آرایه بندی بنا بر این فروش تمبر باین دلایل که عرض شد با دولت خواهد بود و اشخاص متفرقه نباید در اینخصوص مداخله نمایند و مرکزیت آن هم در وزارت مالیه باید باشد.

نایب رئیس - اگر آقای مغیر موافقت فرمایند ارجاع بکمیسیون شود.

مخبر - رأی بگیریید.

نایب رئیس - آقایانیکه قیام نمایند که پیشنهاد آقای حاج عراقی را قابل توجه میدانند قیام نمایند.

(اغلب نمایندگان قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد. ارجاع می شود بکمیسیون ماده ۲۲ قرائت میشود.

(بعضیون ذیل قرائت شد)

ماده ۲۲ - حقوق بستی مستوره جات تجارتنی که در زمان تحویل حقوق بستی ادا میشود و مبداء و مقصدش در داخله ملک است از فرادیه متعلق یا کسر ده متعلق دولتی است و وزن این بسته ها از چهارصد متعلق نباید تجاوز کند اقل میزان حقوق بستی هر بسته اوراق کارش شاهی است.

نایب رئیس - در اینماده هم نظری نیست آقایانیکه ماده ۲۴ را تصویب می فرمایند قیام خواهند فرمود.

(اغلب قیام نمودند و ماده مزبوره تصویب شد)

ماده ۲۵ - تعیین شرایط جنس و شکل و اندازه کارت های بستی بسته های جراید و ضمیمه های جراید و سایر مطبوعات و مستوره جات تجارتنی و اوراق کار با اداره بستی است اداره بستی مجاز است که از حیث شرایط و تفرقه کارت‌هایی را که اشخاص متفرقه می سازند مثل کارت های بستی ملاحظه نمایند.

نایب رئیس - گویا آقایان در این ماده هم نظری ندارند. رأی میگیریم در ماده (۲۵) آقایانیکه موافقت قیام فرمایند.

(عده کثیری قیام نمودند)

ماده ۲۶ - حقوق مقرر در فصل ۱۹ و ۲۰ و ۲۲ و این قانون بجزراید و مطبوعات و مستوره جاتی و اوراق کاری تعلق میگیرد که در زمان تحویل دادن بیست خانه تمبر روی آنها الصاق شده باشد و یا در نواهای تمبردار پیچیده شده باشد آنها را که در زمان ارسال ابتدا تمبر روی آنها الصاق نشده باشد

است و وزن مستوره جات از ۷۵ متعلق نباید زیاده تر باشد لفظ (ولی) در اینجا موهوم معنی دیگر است.

نایب رئیس - این اصلاح عبارتی است همین طور اصلاح میشود.

آصف الممالک - در اینجا که نوشته شده (حقوق بستی مستوره جات تجارتنی که در زمان تحویل حقوق پرداخته میشود) ضرر ندارد (نوشته شود حقوق بستی مستوره جات تجارتنی که در زمان تحویل پرداخته میشود.)

نایب رئیس - در کمیسیون اصلاح می شود رأی میگیریم بماده ۲۲ آقایانیکه تصویب فرمایند قیام خواهند فرمود.

(عده کثیری قیام نمودند)

(ماده ۲۳ بضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۲۳ - حقوق معینه در فصل سابق به مستوره جاتی تعلق میگیرد که دارای قیمت تجارتنی نباشد و روی خود مستوره یا نوار و لاف آن چیزی دیگری جز اطلاعات ذیل نوشته نشده باشد عنوان گرفته - اسم فرستنده - هلامت کارخانه یا علامت مخصوص تاجر - نمره - قیمت - اطلاعات راجعه به وزن و طول و حجم و مقدار مال التجاره که تقدماً از آن جنس حاضر است و اطلاعات راجعه و مبداء و جنس مال التجاره.

نایب رئیس - در اینماده ۲۳ نظری نیست؟ (اطهارای شد) آقایانیکه موافقت قیام نمایند.

(اغلب نمایندگان قیام نمودند)

نایب رئیس - اکثریت است. ماده ۲۴ قرائت میشود.

(بعضیون ذیل قرائت شد)

ماده ۲۴ - حقوق متعلقه با اوراق کار که در زمان تحویل حقوق بستی ادا میشود و مبداء و مقصدش در داخله ملک است از فرادیه متعلق یا کسر ده متعلق دولتی است و وزن این بسته ها از چهارصد متعلق نباید تجاوز کند اقل میزان حقوق بستی هر بسته اوراق کارش شاهی است.

نایب رئیس - در اینماده هم نظری نیست آقایانیکه ماده ۲۴ را تصویب می فرمایند قیام خواهند فرمود.

(اغلب قیام نمودند و ماده مزبوره تصویب شد)

ماده ۲۵ - تعیین شرایط جنس و شکل و اندازه کارت های بستی بسته های جراید و ضمیمه های جراید و سایر مطبوعات و مستوره جات تجارتنی و اوراق کار با اداره بستی است اداره بستی مجاز است که از حیث شرایط و تفرقه کارت‌هایی را که اشخاص متفرقه می سازند مثل کارت های بستی ملاحظه نمایند.

نایب رئیس - گویا آقایان در این ماده هم نظری ندارند. رأی میگیریم در ماده (۲۵) آقایانیکه موافقت قیام فرمایند.

(عده کثیری قیام نمودند)

ماده ۲۶ - حقوق مقرر در فصل ۱۹ و ۲۰ و ۲۲ و این قانون بجزراید و مطبوعات و مستوره جاتی و اوراق کاری تعلق میگیرد که در زمان تحویل دادن بیست خانه تمبر روی آنها الصاق شده باشد و یا در نواهای تمبردار پیچیده شده باشد آنها را که در زمان ارسال ابتدا تمبر روی آنها الصاق نشده باشد

چهار برابر حقوق معینه از گیرنده آن دریافت خواهد شد.

نایب رئیس - در ماده ۲۶ نظریاتی نیست؟

حاج شیخ محمد حسن - در این ماده دو فقره پیشنهاد حاضر است قرائت شود.

نایب رئیس - خوب است توضیح هم بدهید.

حاج شیخ محمد حسن - قرائت شود توضیح میدهم.

نایب رئیس - غیر از آقای شیخ محمد حسن دیگر مخالفی نیست؟

حاج شیخ حبیب الله - بنده عرض دارم.

نایب رئیس - فرمائید. بعد پیشنهاد آقای حاج شیخ محمد حسن قرائت میشود.

حاج شیخ حبیب الله - مطبوعات دو قسم است یکی مطبوعاتی است که حکم مراسلات را دارد که دارای شرایط تخفیف نیست همانطوری که ذکر شده است و یکی هم مطبوعاتی است که دارای شرایط تخفیف هست اکثر آن مطبوعاتی است که حکم مراسلات را دارد و دارای شرایطی نیست چرا باید چهار برابر بگیرد باید همانطوری که گفتند دو مقابل گرفته شود و اگر مطبوعاتی است که دارای شرایط است باز هم چرا نباید چهار برابر گرفته شود باید آن ملاحظه را که دولت در جراید و مطبوعات در نظر گرفته و برای آن تخفیف قرار داده باید دو این قسمت هم آن رعایت را فرمایند اگر هم آن ملاحظه را نمی فرمایند باز نباید بیش از دو برابر گرفته شود.

مخبر - در اینخصوص در شور اول مذاکره شده و جهتش هم عرض شد علت اینکه از مطبوعات باید چهار برابر گرفته شود این است که مطبوعات خیلی وزن است و گرایه حمل و نقلش خیلی زیاد خواهد شد بملاوه گرایه مغفله هم بآن تعلق میگیرد و چهار برابرش هم مبلغ زیادی خواهد شد و اگر چنانچه غیر از این باشد نام مردم میخواهند مطبوعات خود را بدون تمبر بفرستند و این یک ضرری برای دولت خواهد بود باین لحاظ اداره بستی مجبور است برای تنظیم و ترتیب اداره خودش این قرار داد را بگذارد که مطبوعات را بدون تمبر بفرستند.

حاج شیخ حبیب الله - این فرمایشی که آقای مخبر فرمودند مخالف با فصل بعد که ۲۷ است می باشد در فصل ۲۷ نوشته است (هر گاه جراید و مطبوعات و مستوره جات تجارتنی و اوراق کار که از داخله متعلق باشد از آن جنس حاضر است و اطلاعات راجعه و مبداء و جنس مال التجاره).

نایب رئیس - توضیحی دارید فرمائید.

حاج شیخ محمد حسن - نسبت بفصل ۱۷ که مذاکره میشد از گیرنده دو برابر گرفته شود گفتند اگر یک کسی بخواهد خبر سلامتی خودش را بجز خودش برساند و پول نداشته باشد برای اینکه مراعاتی از او نشده باشد این مراسله را بدون تمبر قبول میکنند و از طرف مقابل واز خانواده اش دو برابر بگیرند این جزئی مناسبتی هم که در آن ماده بود (اگرچه مناسبت قانونی نبود) آن جزئی مناسبت هم در اینجا نیست و باعث ندارد قبول کنند آنوقت چهار برابر برای او معین کنند لهذا پیشنهاد اولم این است بدون تمبر قبول نکنند و چیزی هم برایش قرار ندهند اگر این پیشنهاد رد شد آنوقت فقره نانی قرائت شود.

نایب رئیس - رأی میگیریم در فقره اول پیشنهاد آقای حاج شیخ محمد حسن آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام نمایند.

(عده قبلی قیام نمودند)

نایب رئیس - رد شد. قسمت نانی قرائت میشود.

(بعضیون ذیل قرائت شد)

فقره نانی - لفظ چهار برابر که در فصل مزبور

مخبر - اولاً فصل ۲۷ از برای چیز دیگر نوشته شده است فصل ۲۷ از برای این نوشته شده است که اگر یک یا کتی را بخواهند با هم مطبوع بفرستند در حکم مطبوعات نیست که حقوق مغفله به آنها تعلق بگیرد شرایط مطبوعات معین است که بچه ترتیب باید باشد اگر به آن ترتیبی سکه معین شد بفرستنده البته حقوق مغفله به آنها تعلق میگیرد ولی اگر به آن ترتیبی که اداره بستی معین کرده است دارای آن شرایط نباشد حقوق یا کتی به آنها تعلق میگیرد و این هم باید مثل پاکت دو برابر گرفته شود برای اینکه که پاکت اهمیتش زیاد تر است وقتی که یک یا کتی را می آورند پیش گیرنده چون مهم است گیرنده حاضر است دو برابر را بدهد و پاکت را بگیرد ولی در مطبوعات اینطور نیست و ممکن است قبول نکنند یا این لحاظ اداره بستی این ترتیب را داده که فرستندگان بمطبوعات مجبور شوند و دیگر مطبوعات را بدون تمبر بفرستند بجهت این که برای مطبوعات کسی حاضر نیست یک برابر یا دو برابر را هم بدهد این برای اینست که وقتی فرستنده فهمید کسی مطبوعات او را قبول نمیکنند من بعد نخواهد فرستاد.

نایب رئیس - دیگر مخالفی نیست؟ پیشنهاد آقای حاج شیخ محمد حسن قرائت میشود.

(قسمت اول پیشنهاد در بضمون ذیل قرائت شد)

این اقل راجع بفصل ۲۶ مرتباً دو فقره پیشنهاد می کنم فقره اولی این که مستودات در فصل مزبور تبدیل گردد باین کلمات - جراید و مطبوعات و مستوره جات تجارتنی و اوراق کاری که زمان تحویل دادن به پستخانه تمبر روی آنها الصاق نشده باشد حمل و نقل نخواهد شد.

نایب رئیس - توضیحی دارید فرمائید.

حاج شیخ محمد حسن - نسبت بفصل ۱۷ که مذاکره میشد از گیرنده دو برابر گرفته شود گفتند اگر یک کسی بخواهد خبر سلامتی خودش را بجز خودش برساند و پول نداشته باشد برای اینکه مراعاتی از او نشده باشد این مراسله را بدون تمبر قبول میکنند و از طرف مقابل واز خانواده اش دو برابر بگیرند این جزئی مناسبتی هم که در آن ماده بود (اگرچه مناسبت قانونی نبود) آن جزئی مناسبت هم در اینجا نیست و باعث ندارد قبول کنند آنوقت چهار برابر برای او معین کنند لهذا پیشنهاد اولم این است بدون تمبر قبول نکنند و چیزی هم برایش قرار ندهند اگر این پیشنهاد رد شد آنوقت فقره نانی قرائت شود.

نایب رئیس - رأی میگیریم در فقره اول پیشنهاد آقای حاج شیخ محمد حسن آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام نمایند.

(عده قبلی قیام نمودند)

نایب رئیس - رد شد. قسمت نانی قرائت میشود.

(بعضیون ذیل قرائت شد)

فقره نانی - لفظ چهار برابر که در فصل مزبور

مستور است مبطل بدو برابر گردد.

نایب رئیس - رأی میگیریم بقسمت نانی پیشنهاد آقای حاج شیخ محمد حسن آقایانیکه موافقت قیام فرمایند.

(عده قبلی قیام نمودند)

نایب رئیس - رد شد. رأی میگیریم بماده ۲۶ آقایانیکه با ماده ۲۶ موافقت قیام فرمایند.

(عده کثیری قیام نمودند و ماده ۲۷ بضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۲۷ - هر گاه جراید و مطبوعات و مستوره جات تجارتنی و اوراق کار که از داخله متعلق باشد ارسال میشود دارای شرایط لازم که باعث تخفیف گرایه بستی است نباشد حقوق بستی پاکت بآنها تعلق خواهد گرفت.

نایب رئیس - در ماده ۲۷ آقایان نظری دارند؟

شریف همدان - خوب است در فصل ۲۷ آقای مخبر توضیح فرمایند.

نایب رئیس - اشکالات را فرمائید تا مخبر توضیح بدهند.

شریف همدان - در فصل ۲۷ نوشته شده است (هر گاه جراید و مطبوعات و مستوره جات تجارتنی و اوراق کار که از داخله متعلق باشد ارسال میشود دارای شرایط لازم که باعث تخفیف گرایه بستی است نباشد) این را بنده منفت نمی شوم توضیح فرمائید که آن شرایط چه چیز است.

مخبر - اوراق کار و مطبوعات و مستوره جات بترتیب پاکت بسته میشود و یک ترتیب مخصوصی داود که باید با نخ به بندند و لاف بکنند اگر باین ترتیب بفرستند حقوق مغفله بآنها تعلق میگیرد ولی اگر باین ترتیب بفرستند و بخواهند لاف بکنند مهر کنند و بگویند این بسته مطبوعات یا مستور جات است آنوقت حقوق پاکت بآنها تعلق میگیرد.

نایب رئیس - رأی میگیریم بماده ۲۷ آقایانیکه موافقت قیام نمایند.

(عده کثیری قیام نمودند و ماده ۲۷ تصویب شد)

ماده ۲۸ - در صورتی که جراید و مطبوعات و مستوره جات تجارتنی و اوراق کار که مبداء و مقصد آنها در داخله ملک است در تحت یک لاف بسته مجوع حقوق متعلقه بآن عبارت خواهد بود از مطبوعات صورت حساب آنها نیز منضم نباشد حقوق مقرر مطبوعات بآن بسته تعلق میگیرد بشرط آنکه نام حقوقی که برای آن ادا شده اقل مساوی باشد بکمترین مقدار حقوق اوراق کار که عبارت از شش شاهی است.

نایب رئیس - آقای حاج شیخ یوسف فرمایشی دارید؟

حاج شیخ یوسف - اگرچه فهمیدن بنده یک عبارتی را دلیل بر این نمیشود که سایر آقایان هم فهمیده باشند یا عبارت معنی نداشته ولی بنده عبارت اخیر این ماده را درست منفت نشدم خوبست آقای مخبر معترم کاملاً معنی این ماده را مخصوصاً جزء اخیرش را توضیح فرمایند که (ولی هر گاه

خواهد نوشت و موافق همان اجراء خواهد کرد و آن (ترتیب لازمه که در اول ماده نوشته شده) هیچ ربطی بترتیب تعویل و توزیع ندارد و این راجع به تعویل و توزیع است که بطور بایده رفتار شود .

حاج شیخ محمدحسن - بنده عرض میکنم هر ترتیبی که ما خواسته باشیم رفتار کنیم در این نقطه (شرایط و ترتیب لازمه را معین خواهند بود) میتوانیم بکنجانبیم و بگوئیم که این عبارت شامل آنهم میشود لهذا پیشنهاد میکنم که این جزء اخیر حذف شود .

موقدالاسلام - آقا اشتباه فرموده اند جمله اول ترتیب اجرت را معین میکنند و جمله دوم ترتیب توزیع را معین میکنند و اشکالی ندارد .

نایب رئیس - ماده دیگر خواننده میشود تا پیشنهاد آقای حاج شیخ محمدحسن برسد .

(ماده ۲۷ بضمون ذیل قرائت شد) ماده ۳۷ - حقوقی را که گیرندگان مرسولات یستی بیست خانه باید قبل از دریافت مرسول اداء نمایند گیرندگان مرسولات میتوانند در موقعی که مرسول نزد آنها برده می شود از قبولش امتناع کنند ولی مشروط بر اینکه از محتوی آن مطلع نشده و سرش را باز نکرده باشد بعضی اینکه مرسولی بیست خانه تعویل داده شده قیمت تمبر بیکه روی آن الصاق شده است عاید خزانة دولت میگردد

اعزاز السلطنه - تصور میکنم این ماده اصلاح عبارتی لازم داشته باشد بجهت این که مهندس (حقوقی را که گیرندگان مرسولات یستی بیست خانه باید قبل از دریافت مرسول اداء نمایند گیرندگان مرسولات می توانند) گیرندگان مرسولات در دوجا نوشته شده است و لازم است در یک جا نوشته شود تا ملاحظاتی نداشته باشد

مخبر - آقای اعزاز السلطنه که خودشان عضو کمیسیون هستند خوب بود این ملاحظاتی را در کمیسیون بفرمودند

نایب رئیس - در هر صورت این جا هم میتوانند اظهار کنند این نظر است که در اینجا برایشان پیدا شده و میتواند اظهار کنند

مدرس - این عبارت که نوشته شده (ولی مشروطه بر اینکه از محتوی آن مطلع نشده) گمان می کنم لازم نیست و نباید نوشت باید نوشته شود (ولی مشروط بر اینکه سرش را باز نکرده باشد)

ممکن است بفریبه و حدس از محتوی او مطلع شود اما وقتی که سرش را باز کرد دیگر نباید از او قبول شود اما اگر باز نکرد و بعضی چیزی استنباط کرد انجا چیزی باو تعلق نمی گیرد لهذا اگر آقای مخبر قبول بفرمایند آن جمله (ولی مشروط بر اینکه از محتوی آن مطلع نشده) را بیاندازند و بنویسند (مشروط بر اینکه سرش را باز نکرده باشد)

رئیس - آقای مخبر قبول دارید **مخبر** - بله قبول دارم (مجدداً ماده مزبور با اصلاحی که آقای مدرس تقاضا کرده بودند قرائت شد)

نایب رئیس - رأی میکنیم بماده ۲۷ بطوری که اصلاح شده است آقا باینکه موافقت قیام نمایند (عده کبری قیام نمودند)

نایب رئیس - اکثریت است تصویب شد - پیشنهاد آقای حاج شیخ محمدحسن راجع بماده ۳۶ گردماند قرائت میشود

(بضمون ذیل قرائت شد) پیشنهاد مینماید که جمله (اداره پست شرایط تعویل و توزیع الی آخر) از ماده ۳۶ حذف شود

نایب رئیس - توضیحی دارید **نایب رئیس** - پس رأی میکنیم بقبال توجه بودن این پیشنهاد - آقایانی که قایل توجه میدانند قیام نمایند

حاج شیخ محمدحسن - توضیح داده شد **نایب رئیس** - پس رأی میکنیم باصل ماده ۳۶ بطوریکه قرائت شد آقا باینکه تصویب بفرمایند قیام خواهند فرمود اغلب قیام نمودند

نایب رئیس - تصویب شد - ماده ۳۸ قرائت میشود

(بضمون ذیل قرائت شد) ماده ۳۸ - اداره پست با اجازه دولت تمبر های یستی و کارت های یستی و پاکت ها و نوارها که علامات حقوق یستی هستند بقیمت های مختلف طبع و نشر مینماید و نیز میتواند حدی برای مدت اعتبار تمبر و کارت های یستی و پاکت ها و نوارهای یستی معین نماید و مدت و شرایط تأدیة قیمت بامواضع آنها را معین کند

حاج شیخ اسدالله - بعد از اینکه ماده ۱۴ حذف شد و یک ماده امروز راجع بطبع تمبر پستخانه و علائمی که روی پاکت میخورد پیشنهاد کردند که از وظایف وزارت مالیه است بنده تصور می کنم در این ماده امروز نمی شود مذاکره کرد و رأی گرفت این ماده باید همان تا وقتی که آن ماده که پیشنهاد شده و ارجاع بکمیسیون شده بر گردد و مطابق آن ماده یعنی زمینه که دست میدهند آن ماده هم اصلاح شود و الا نمی شود امروز رأی داد

مخبر - عرض میکنم این یک کلمه نوشته شده که رفع آن اشکال را میکند نوشته شده است اداره پست با اجازه دولت اینکار را می کند و چون آقای حاج میرزا ملک پیشنهاد کردند که طبع و تهیه تمبر با وزارت مالیه باشد حکم است همان وزارت مالیه اداره پست اجازه بدهد خود اداره پست اینکار را بکنند پس خود اداره پست نمی تواند اینکار را بکنند باید با اجازه دولت باشد ما نوشته ایم با اجازه اگر اجازه نداد این حق طبعاً از اداره پست ساقط است و بنده اشکالی نمی بینم

حاج عز الممالک - بنظر بنده این ماده باید بر گردد بکمیسیون آن پیشنهادی که شد باینکه قسمت عده این ماده مخالف است ولی از آن طرف باید تصدیق کرد که بعضی قسمتهای این ماده هم در قانون باید نوشته شود در این صورت بنده تصور میکنم خوب است آقای مخبر قبول بفرمایند که این ماده بر گردد بکمیسیون قسمتی که راجع به امور اداره یستی است حتماً باید در اینجا نوشته شود ولی قسمتی که راجع بطبع است مطابق آن پیشنهاد باید از این ماده حذف شود در این صورت در این ماده حالا نمی توانیم رأی بدهیم و نه میتوانیم اصلاح فوری کنیم پس ما حضوری که گفته شد خوب است بر گردد بکمیسیون اصلاح شده مجدداً به مجلس بیاید

مخبر - قبول میکنم که بر گردد بکمیسیون **نایب رئیس** - پس از جاع میشود بکمیسیون ماده ۳۹ قرائت میشود

(بضمون ذیل قرائت شد) ماده ۳۹ - دولت میتواند اجازه حمل مجانی بکتابت اداراتی بدهد که متضمن منافع عمومی است تمیین حدود و شرایط عمل فوق نیز بادولت است

حاج شیخ حبیب الله - میفرمایند (دولت میتواند اجازه حمل مجانی بکتابت اداراتی بدهد که متضمن منافع عمومی است) چون کتابت بعضی ادارات منافع عمومی ندارد منافع عمومی در جرایم مطبوعات است پس حالا که باشد این اجازه بدولت داده شود و این ماده قبول شود که دولت هر طور صلاح میداند اجازه بدهد باید تکلیف دولت را اینطور معین کنیم که باید این اجازه در بعضی از کتابت اداری باشد و آنهم مقید باشد به اینکه منافع عمومی داشته باشد ولی حالا اگر دولت بخواهد به بعضی ادارات که منافع عمومی نداشته باشند و منافع خصوصی داشته باشند اجازه بدهد چه مانع دارد که مطلقاً بتواند بپردازد و مطبوعات اجازه بدهد

علت الممالک - عرض میکنم در موادی که لازم بود تخفیف داده شود تصریح شد و آنهم در جرایم و مطبوعات بود اما این که اجازه دولت منحصر بکتابت باشد است برای اینست که حقوقی که بجهت کتابت و اوراق اغلب ادارات داده میشود باید از دولت داده شود و باز در یک گردش اداری بدولت عاید میشود و چون این عمل مکرری است لهذا یک چنین ماده نوشته شده است و اینکه یک اداره از حقوق یستی معاف میشود برای اینست که بر فرض مخارج یستی را هم بدهد باز عاید دولت میشود

حاج شیخ اسدالله - بنده تصور می کنم که در این ماده اختیارات دولت را یک قدری کم کرده ایم در اینجا نوشته شده است (دولت میتواند اجازه حمل مجانی بکتابت بدهد) پس معلوم میشود بفرار کتابت دولت نمی تواند اجازه حمل مجانی بدهد و منحصر بکتابت خواهد بود و حال این که عقیده بنده غیر از این است باید یک اختیاری بدولت داد که بفرار کتابت هم بتواند در موقع لزوم اجازه بدهد بنا میشود که دولت یک اسبابی یا واضعتر عرض کنم مثلا ده عدد تنگ میخواهد به کرمان بفرستد این را میخواهد اداره پست بدهد که زود برسد اداره پست هم راه را با یک کمپانی کثرت گرفته است آخرت دولت باید بپنشنی این ماده وجه کراهی او را بدهد و بوجه این ماده پست خانه میتواند امتناع کنند و حمل نکنند مگر اینکه کرایه او را بگیرد بنده تصور میکنم که باید اختیار دولت را یک قدری در اینجا زیاد تر کنیم و علاوه بر کتابت یک اختیاری فوق آن داده شود که دولت بتواند بمراسلات و جدولت در هر موقعی که صلاح دانست اجازه حمل مجانی بدهد و دستش باز باشد که اگر یک موقعی برای دولت پیش آمد بتواند بواسطه پست بدون کرایه یک چیزی را که حمل صاحبش است حمل کند

حاج عز الممالک - بنده عرض میکنم اینطور نباید آزاد کرد که دولت هر چیزی را اجازه داد اداره پست حمل کند اینطور نیست و عقیده بنده اینست که لازم است و باید راجع بکتابت اداراتی باشد که دارای منافع خصوصی نباشد باید اداراتی باشد

حاج عز الممالک - بنده عرض میکنم اینطور نباید آزاد کرد که دولت هر چیزی را اجازه داد اداره پست حمل کند اینطور نیست و عقیده بنده اینست که لازم است و باید راجع بکتابت اداراتی باشد که دارای منافع خصوصی نباشد باید اداراتی باشد

حاج عز الممالک - بنده عرض میکنم اینطور نباید آزاد کرد که دولت هر چیزی را اجازه داد اداره پست حمل کند اینطور نیست و عقیده بنده اینست که لازم است و باید راجع بکتابت اداراتی باشد که دارای منافع خصوصی نباشد باید اداراتی باشد

که منافع عمومی داشته باشد که دولت در این حدود بتواند اجازه بدهد اما این اشکالی را که آقای حاج شیخ اسدالله فرمودند و یک چیزی گفتند که دو اذعان خوب میآید (مثلا یک عده تنگ شاید لازم باشد بکرمان بفرستد و ما هم راه بدهیم اداره پست جاناً ببرد همان موقع هم دولت میتواند پولی از این دست بدهد و از آن دست بگیرد یعنی از اداره خزانه اش اداره پست خودش بدهد و بار پس بگیرد این چه ضرر خواهد داشت ؟ علاوه جزهای دیگری را منع می کند و الا ممکن است مأمورین دولت تمام کتابت و اشیاء خصوصی خودشان را مجاناً حمل کنند و یا این که بخواهند و التماس احکام بگیرند که مثلا من مأمور فلان نقطه هستم و دولت اجازه بدهد مجانی بروم بکرمان و دولت هم اجازه بدهد و آن وقت امور اداره پست مختل شود و مجبور شود مردم را مجاناً حمل کند پس باید بکتابت محدود کرد و در سایر مواقع اگر لازم شد دولت پول را از یک اداره بدارد دیگرش بدهد

حاج شیخ محمدحسن - در اینجا نوشته است (تمیین حدود و شرایط عمل فوق نیز با دولت است) اما این که در اینجا نوشته شده است (برای اینست که حقوقی که بجهت کتابت و اوراق اغلب ادارات داده میشود باید از دولت داده شود و باز در یک گردش اداری بدولت عاید میشود) این را باید در اینجا تصریح کرد و آنهم در جرایم و مطبوعات بود اما این که اجازه دولت منحصر بکتابت باشد است برای اینست که حقوقی که بجهت کتابت و اوراق اغلب ادارات داده میشود باید از دولت داده شود و باز در یک گردش اداری بدولت عاید میشود و چون این عمل مکرری است لهذا یک چنین ماده نوشته شده است و اینکه یک اداره از حقوق یستی معاف میشود برای اینست که بر فرض مخارج یستی را هم بدهد باز عاید دولت میشود

حاج شیخ محمدحسن - در اینجا نوشته است (تمیین حدود و شرایط عمل فوق نیز با دولت است) اما این که در اینجا نوشته شده است (برای اینست که حقوقی که بجهت کتابت و اوراق اغلب ادارات داده میشود باید از دولت داده شود و باز در یک گردش اداری بدولت عاید میشود) این را باید در اینجا تصریح کرد و آنهم در جرایم و مطبوعات بود اما این که اجازه دولت منحصر بکتابت باشد است برای اینست که حقوقی که بجهت کتابت و اوراق اغلب ادارات داده میشود باید از دولت داده شود و باز در یک گردش اداری بدولت عاید میشود و چون این عمل مکرری است لهذا یک چنین ماده نوشته شده است و اینکه یک اداره از حقوق یستی معاف میشود برای اینست که بر فرض مخارج یستی را هم بدهد باز عاید دولت میشود

نایب رئیس - نظرتان همین است ؟ **حاج شیخ محمدحسن** - همین است - اگر همین است بطور اجمال بنویسند باید بطوری نوشته شود که ذکرش در اینجا کفایت کند ولی چون در اینجا فصل سابق نوشته توضیح بفرمایند مراد از عمل فوق چیست ؟ **نایب رئیس** - نظرتان همین است ؟ **حاج شیخ محمدحسن** - همین است - اگر همین است بطور اجمال بنویسند باید بطوری نوشته شود که ذکرش در اینجا کفایت کند ولی چون در اینجا فصل سابق نوشته توضیح بفرمایند مراد از عمل فوق چیست ؟

نایب رئیس - اصلاحی دارید پیشنهاد کنید قرائت میشود

(بضمون ذیل قرائت شد) بنده پیشنهاد مینماید که فصل ۳۹ اینقسم نوشته شود : دولت میتواند اجازه حمل مجانی بمرسولات و مطبوعات و کتابت که صلاح بداند اداره پست خانه بدهد

نایب رئیس - یک پیشنهادی هم از آقای مدرس رسیده است قرائت میشود (بضمون ذیل قرائت شد) پیشنهاد میکنم که ماده ۳۹ چنین نوشته شود هیئت دولت میتواند اجازه حمل مجانی باشناسی که متضمن منافع عمومی است بدهد تمیین حدود و شرایط او بادولت است

نایب رئیس - آقای حاج شیخ حبیب الله راجع به پیشنهاد خودتان توضیحی دارید

حاج شیخ حبیب الله - علت اینکه دولت میتواند اجازه حمل مجانی بکتابت ادارات بدهد علت را (منافع عمومی) ذکر کرده است و مینویسد دولت میتواند اجازه حمل مجانی بکتابت اداراتی که متضمن منافع عمومی است بدهد پس در اینصورت هر جا که منافع عمومی دارد و دولت صلاح بداند میتواند اجازه بدهد از این جهت راهی نداریم که حدی قرار بدهیم و اجازه را منحصر بکتابت کنیم فرمایشی که آقای حاج عز الممالک فرمودند که بنا هست دولت

خواهش بکند باینکه در اینجا قید دارد که تمیین حدود و شرایط بادولت است آخرت کسی بخواهش نمیتواند صلاح بداند **نایب رئیس** - آقای حاج عز الممالک اظهار نکردند که دولت خواهش میکند

حاج شیخ حبیب الله - عرض کردم عرض کردم از دولت خواهش بکنند

نایب رئیس - بسیار خوب رأی میکنیم آقایانی که بایشهاد آقای حاج شیخ حبیب الله موافقت قیام نمایند

(عده قلیبی قیام نمودند) **نایب رئیس** - رشد پیشنهاد آقای مدرس مجدداً قرائت میشود و رأی میکنیم (مجدداً بضمون فوق قرائت شد)

نایب رئیس - توضیح دارید بفرمایند ؟ **مدرس** - این پیشنهاد از جهت لفظ با ماده دو فرق دارد یکی آنکه دولت نوشته اند و باید هیئت دولت نوشته نشود این اهمیتی ندارد یکی دیگر آنکه همانطور که فرمودند عبارت (عمل فوق) لازم نیست و لکن در اصل مطلب بعضی آقایان فرمایش فرمودند که دولت از این جیب خودش بیرون مبادد و بان جیب خودش میدهد حالا که اینطور است چه اهمیت دارد که نتواند اجازه بدهد این مسئله تا حال اینطور بوده است که هر اداره در مقام حفظ حقوق خودش بوده باین معنی که اگر یک چیزی از یک وزارت خانه مستقلی بدارد پست برسد اداره پست تا وقتی که پول آن را نگیرد قبول نمیکند پس محتاج میشود یک وجه نقدی که آن اداره باین اداره بدهد و آخرت این اداره در آخر ماه یا آخر سال حسابش را بفرماند بپردازد پس بنا براینکه صاحب هر دو اداره یکی است و دولت است چه فرق میکند که امروز یک چیزی که محل احتیاج عمومی است اجازه بدهد و محتاج بدان پول نباشد و اجازه که از طرف دولت برسد اداره پست آنرا سندن قرار بدهد ببار آخری اجازه دولت بقره پولی است که بجهت سهولت برای حمل و نقل باید داده شود و گمان میکنم هیچ فرقی نمیکند اهم از اینکه پول بدهد یا اجازه بجهت اینکه اجازه دولت بمقتضای این قانون حکم پول را دارد بنا براین بنده در این جا هیچ معذوری نمی بینم اسباب اشکال هم نمیشود اما آن امته چه باشد باید نوشت هر چیزی که محل احتیاج عمومی است اهم از اینکه کافله یا غیر کافله یا هر چه باشد

نایب رئیس - آقای مدرس این پیشنهاد را تصویب میفرمایند قیام نمایند (عده کبری قیام نمودند) **نایب رئیس** - پس رأی میکنیم باصل ماده آقایانی که این ماده را تصویب می کنند قیام نمایند

نایب رئیس - تصویب شد - ماده ۴۲ قرائت میشود

(بضمون ذیل قرائت شد) ماده ۴۲ - در صورتیکه تمام یا جزئی از يك امانت بیه نشده مقفود شود یا اینکه تمام یا جزئی از محتوی آن خراب و ضایع گردد اداره پست متعهد و ملزم است که در ازای هر یک من مال الجاراه مقفود یا ضایع شده مبلغ بازده قران بمنوان غرامت بصاحب امانت کار سازی نماید مر حسب قاعده مطالبه ان غرامت باید توسط فرستنده از پست خانه یا مرکز ایالتی پستخانه بشود که آنجا امانت تعویل داده شده است ولی گیرنده امانت هم میتواند مطالبه جبران ضرر را از پستخانه مقصد یا مرکز ایالتی آن بنماید مشروط بر اینکه از فرستنده يك اجازه نامه در دست داشته باشد همینکه مبلغ بیه شده یا غرامت معینه در پستخانه بصاحب امانت ادا شد تمام حقوق مشارالیه از این بابت باذاره پست تعلق خواهد گرفت صاحب امانت قبیل از وصول وجه غرامت مجبور است اداره پست را از چنین معنوی امانت مقفوده مستحضر بدارند حتی الامکان بواسطه اطلاعات شخصی موجبات تسهیل تخفص و تجسس آن را فراهم آورد

نایب رئیس - در این ماده نظریاتی هست ؟ **حاج شیخ حبیب الله** - میفرمایند (اداره پست متعهد و ملزم است که از برای يك من مال الجاراه مقفود شده یا ضایع شده بازده قران غرامت بدهد) پس معلوم میشود علت این امر است که اداره پست معین کرده خودش را ضامن میداند اگر ضامن است چرا از برای هر یک من بازده قران غرامت میدهد

نایب رئیس - اکثریت است - تصویب شد - بقدر ده دقیقه تنفس داده میشود

(در اینصورت حضار برای تنفس خارج شده و بعد از ۱۵ دقیقه مجدداً جلسه تشکیل و ماده ۴۰ قانون یستی بضمون ذیل قرائت شد)

باب سوم مسئولیت ماده ۴۰ - اداره پست مسئول کلیه وجوهی است که بجهت بروات یستی باو داده میشود

نایب رئیس - در ماده چهارم مخالفی هست ؟ (اظهاری نشد) رأی میکنیم آقایانی که با این ماده موافقت قیام نمایند (عده کبری قیام نمودند)

نایب رئیس اکثریت است تصویب شد ماده ۴۱ قرائت میشود (بضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۴۱ - هر صورتی که تمام یا جزئی از يك اکتها و مرسولات بیه شده مقفود شود اداره پست مسئول قیبت مقدار مقفود یا میزان مبلغ بیه شده میباشد

نایب رئیس - در این ماده هم آقایان نظری ندارند ؟ آقای حاج سید رضا فرمایشی دارید ؟ **حاج سید رضا** - خیر عرضی ندارم **نایب رئیس** - پس رأی میکنیم بماده ۴۱ آقایانی که این ماده را تصویب می کنند قیام نمایند

نایب رئیس - تصویب شد - ماده ۴۲ قرائت میشود

(بضمون ذیل قرائت شد) ماده ۴۲ - در صورتیکه تمام یا جزئی از يك امانت بیه نشده مقفود شود یا اینکه تمام یا جزئی از محتوی آن خراب و ضایع گردد اداره پست متعهد و ملزم است که در ازای هر یک من مال الجاراه مقفود یا ضایع شده مبلغ بازده قران بمنوان غرامت بصاحب امانت کار سازی نماید مر حسب قاعده مطالبه ان غرامت باید توسط فرستنده از پست خانه یا مرکز ایالتی پستخانه بشود که آنجا امانت تعویل داده شده است ولی گیرنده امانت هم میتواند مطالبه جبران ضرر را از پستخانه مقصد یا مرکز ایالتی آن بنماید مشروط بر اینکه از فرستنده يك اجازه نامه در دست داشته باشد همینکه مبلغ بیه شده یا غرامت معینه در پستخانه بصاحب امانت ادا شد تمام حقوق مشارالیه از این بابت باذاره پست تعلق خواهد گرفت صاحب امانت قبیل از وصول وجه غرامت مجبور است اداره پست را از چنین معنوی امانت مقفوده مستحضر بدارند حتی الامکان بواسطه اطلاعات شخصی موجبات تسهیل تخفص و تجسس آن را فراهم آورد

نایب رئیس - در این ماده نظریاتی هست ؟ **حاج شیخ حبیب الله** - میفرمایند (اداره پست متعهد و ملزم است که از برای يك من مال الجاراه مقفود شده یا ضایع شده بازده قران غرامت بدهد) پس معلوم میشود علت این امر است که اداره پست معین کرده خودش را ضامن میداند اگر ضامن است چرا از برای هر یک من بازده قران غرامت میدهد

نایب رئیس - اکثریت است - تصویب شد - بقدر ده دقیقه تنفس داده میشود

نایب رئیس - اکثریت است - تصویب شد - بقدر ده دقیقه تنفس داده میشود

واگرضان نیست چرا غرامت میدهد چون يك وقتي هست كه قيمت آن مال مفقود يا ضایع شده کمتر از ۱ قران است و يك وقت هست كه بگن زعفران است اگر بناست غرامت بدهد چرا تمام بانصف قيمت آن را نمی دهد اگر بنا بر این غرامت بدهد بگن ۱۵ قران را برای چه میدهد این هلاک چیست؟

مخبر - اگر بگن زعفران باشد ممکن است قيمت بگذارد و حق الضمانه بهم آن وقت پس از مفقود شدن تمام قيمت را از اداره بست بگیرد وقتي كه باشد اداره بست حق الضمانه نگرفت و صاحب مال غرامت مال خودش را آتش بزند آن وقت باید راضی شود همان يك من یا زرده قران را بگیرد البته شخص فرستنده وقتي بخواهد تمام غرامت را بگیرد باید قيمت بگذارد و وجه الضمانه را بدهد تا تمام غرامت باورده شود وقتي كه حق الضمانه نداد چه حقی دارد.

حاج شیخ حبیب الله - بنده از علتش سؤال کردم اینجا میفرماید اداره بست غرامت میدهد علتش چه چیز است كه باید غرامت بدهد؟ حالا كه بنا است غرامت بدهد لابد مسئولیتی برای خودش قائل شده است در این صورت باید تمام آن غرامت را بدهد

عادل الملك - اداره بست این غرامت را هر قدر در نظر بگیرد آقای حاج شیخ حبیب الله همین اعتراض را خواهند کرد پس خوب است حلی را كه خودشان در نظر گرفته معین بفرمایند تا بنده همین اعتراض ایشان را بکنم.

حاج شیخ حبیب الله - آقا میفرمایند بنده معین گم اگر به تعیین ما است باید بدان اینکه معلوم شود اداره بست خانه آن مال را تفریط کرده است تمام غرامت را بصاحب امانت کارسازی نماید بواز عهده تمام برآید و اگر تفریط نکرده هیچ لازم نیست غرامت بدهد.

نایب رئیس - گویا مذاکره کلامی است رای میگیریم.

مدیر - بنده پیشنهادی دارم.
نایب رئیس - پس ماده ۴۳ خوانده میشود تا پیشنهاد آقای مدیر برسد.

(بعضیون ذیل خوانده شد)
ماده ۴۳ - علاوه غرامت های مذکور در دو ماده (۴۲ و ۴۱) اداره بست گویا راهم كه برای امانات مفقوده دریافت کرده است بفرستنده مسترد میدارد در صورت فقدان يك شئی سفارش اداره بست ملتزم است كه بفرستنده یا گیرنده آن غرامت ذیل را بپردازد.

اولا - مبلغ بست پنج قران برای مرسولات سفارشی داخله.
ثانیا - غرامتی كه در قرارداد های بین المللی تعیین شده است در صورتی كه مرسول سفارشی راجع به معامله بین المللی باشد.

نایب رئیس - در این ماده آقایان نظری دارند؟ (اظهاری شد) رای میگیریم بماده ۴۳ آقایانی كه موافق هستند قیام نمایند.
(عده كثیری قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد - ماده ۴۴ قرائت می شود.

(بعضیون ذیل قرائت شد)

ماده ۴۴ - در موانع این اداره بست مسئولیت های مذکور در ماده ۴۰ و ۴۱ و ۴۲ را بعهده نمی گیرد.

اولا - در صورتی كه اداره بست در يكی از معامك رسمی ثابت نماید كه قيمت امانت بیه شده از روی قلب بیشتر از قيمت حقیقی آن اظهار شده است **نایب رئیس** - در جزو اول این ماده ایرادی هست؟

معتصم السلطنه - اداره بست برای خودش حقی معین میکند كه اگر قلب را معین کرده است و در این صورت باید اداره بست تعیین این قلب را بکند پس باید قائل شد كه اداره بست قبالا حق دارد امانت را تفتیش كند و الا اگر فرضاً يك شخصی قیمتی برای يك امانتی معین کرد و آن امانت مفقود شد اداره بست از چه راه میتواند معین كند كه قيمت آن مطابق واقع نبوده ممكن است متحمل آن امانت خواهد باشد و ممكن است سنگ باشد در این صورت بنده راهی نیستم كه چطور قلب آنرا معین خواهد کرد و تصور میکنم این ماده حق میدهد كه مردم پس از آنكه امانتشان مفقود شد همچوقت موفق بگرفتن غرامت نشوند عقیده بنده این است كه این ماده يكی در این جا زائد است.

مخبر - اداره بست البته حق خواهد داشت در حضور فرستنده باز شدن يك امانتی نخواهد بچه اینکه بعضی چیزها است كه حمل و نقلشان ممنوع است اگر اداره بست سوء ظنی پیدا کرده باشد كه از چیزهای ممنوع در آن بسته است حق دارد همه وقت باز شدن آن را بخواهد و به بیند هست یا نیست و اما اینکه میفرمایند اگر يك امانتی مفقود شود آن وقت صاحب امانت نمی تواند مطالبه قيمت امانت خود را بکند و همیشه اداره بست میگوید این امانت را بیش از قيمت حقیقی قيمت بوده گمان میکنم همچ چیزها نباشد بجهت اینکه اگر يك اسبابی گم شد اداره بست از كجا میتواند بفهمد كه این امانت چه بوده كه زیادتر یا کمتر قيمت شد وقتي اداره بست میتواند بگوید زیاد تر از قيمت اصلی اظهار شده است كه بتواند در معامك رسمی اثبات كند و دلایلی داشته باشد كه معامك عدلیه آن دلایل را قبول كند پس از اینکه دلایلی داشت و معامك قبول کرد و طرف هم اقرار کرد گمان زیادتر از قيمت حقیقی اظهار کرده ام آنوقت اداره می تواند تمام آن قيمت را بدهد و الا نسا میتواند ثابت كند و معامك پذیرد اداره بست نمی تواند همچ کاری بکند.

سردار سعید - بنده در شور اول مخالفت کردم حالا هم مخالفت خود را اظهار میکنم بواسطه اینکه در صورتی كه اداره بست میتواند زماناتی را باز كند و از معنوی آن مسبوق شود چه علت دارد كه قیمت آنرا بیش از قيمت واقعی قبول كند و بیه كند ولی در صورتی كه قبول کرد و بیه کرد و حق بیه را از من گرفت و امانت من مفقود شده قيمت حقیقی آنرا بفرستنده بدهد اما با صحت بوده است این ماده علاوه بر اینکه با فلسفه اساس بیه موافقت ندارد کلیتاً برای صاحبان امانت هم اسباب اشكال خواهد شد و وقتي يك امانتی گم شد اداره بست خواهد

گفت كه باید در فلان معامك ثابت شود بنا بر این این ماده هیچ نتیجه ندارد و به معنی این اداره بست خانه يك امانتی را قبول کرد و بیه کرد برده اوست كه تمام مبلغی را كه صاحب امانت معین کرده بدهد ام از این كه آن مبلغ از قيمت اصلی زیادتر باشد یا کمتر باشد.

محمد هاشم میرزا - علی الحال بعد از آنكه ما تعیین کردیم كه در يكی از معامك رسمی باید ثابت كند جای حرف و اشكالی باقی نمی ماند بعضی از آقایان میفرمایند چطور ممكن است ثابت كند فرض میکنم ممكن است خود صاحب مال در جایی اقرار کرده باشد و جمعی شهادت بدهند ممكن است

كه تاجر باشد و از دفتر او معلوم شود ممكن است سارق آن بسته بعضی تفتیش پیدا شود در این صورت به معامك رسمی رجوع می كند و معلوم میشود قيمتش یا زرده تومان بوده صد و پنجاه تومان قيمت معین کرده بیه کرده بنا بر این اثباتش هیچ اشكال ندارد لابد اگر يك طریق اثباتی نباشد این مطلب را تصدیق نخواهند کرد و فراموش را میبهد ولی وقتي كه در معامك ثابت شده هیچ ضرر ندارد اینطور باشد ولی آنروز مذاکره شده كه باید يك مدتی برای اینكار معین كند و در اینجهامین نکرده است خوب است آقای **مخبر** جواب بدهند كدر چه مدت باید در معامك ثابت كند و علت اینکه مدت معین نشده چه چیز است

مخبر - اینکه آقای سردار سعید فرمودند وقتي كه نداریم امانتی را قبول میکنم بنده هیچ چیز است و قیمت آنرا مطابق واقع معین كند بنده فرض میکنم این مسئله غیر ممكن است بجهت اینکه اتفاق می افتد در هر روزی هزار امانت گرفته میشود اگر بخواهند آنها را يكی يكی باز کرده تقویم کنند در هر قدری باید بستن فرستنده و گویا امانت كفايت این خرج را نمی كند كه اداره بست ده نفر بیست نفر با انسیه بپردفتری مقوم داشته باشد اما اینکه آقای محمد هاشم میرزا میفرمایند مدت معین كند مدت در فصل بده معین شده كه فقط يك سال خواهد بود و بعد از يك سال دیگر طرفین بهم حقی نخواهند داشت.

سردار معظم - این ماده با اصل فلسفه بیه میشود مخالف است بیه يك چیزی است كه از طرفین قبول يك چیزی را بنده میگویم تفتیش این است و طرف مقابل آن قیمتی كه من اظهار کرده ام قبول میکنم و بناسب آن قیمتی كه من اظهار کرده ام حق بیهه میگیرد اگر آقای محمد هاشم میرزا در فلسفه ایجاد بیه دردناک دقت میکنند این اظهار را نمی كنند وقتي كه بنده جان خود را بیه بدهم آن کسی كه قبول میکند البته تمام اتفاقات را از قبیل زود مردن و غیره را پیش بینی كند با وجود این بیه میکنند همچین است این قضیه در امانات وقتي گمان امانت خود را بیه کردم و گفتم قيمت آن چقدر است ممكن است مبلغ واقعی زیادتر قيمت کرده باشم یا ممكن است کمتر قيمت کرده باشم دقت و تحقیق در پذیرفتن امانت من بسته با اختیار خود اداره بست است وقتي كه اداره بست خانه امانت را بهمان قیمتی كه من اظهار کرده ام پذیرفت و حق بیه را گرفت و سند بن داد برده آن اداره است كه آن امانت را بهمان قیمتی كه من سیرده ام غرامت بدهد حالا اگر ما عقیده کنیم كه پس از این كه امانت مفقود شد مو كول بانبات در يك معامك باشد آن وقت من نمیتوانم چطور ثابت میشود كه يك چیز مفقود شده قيمت حقیقی صحیح بوده است یا صحیح نبوده است این ماده علاوه بر اینکه با فلسفه اساس بیه موافقت ندارد کلیتاً برای صاحبان امانت هم اسباب اشكال خواهد شد و وقتي يك امانتی گم شد اداره بست خواهد

گفت كه باید در فلان معامك ثابت شود بنا بر این این ماده هیچ نتیجه ندارد و به معنی این اداره بست خانه يك امانتی را قبول کرد و بیه کرد برده اوست كه تمام مبلغی را كه صاحب امانت معین کرده بدهد ام از این كه آن مبلغ از قيمت اصلی زیادتر باشد یا کمتر باشد.

حاج شیخ اسدالله - بنده تصور میکنم این مسئله هیچ منافی با فلسفه بیه نباشد و در واقع این فقره خیلی صحیح نوشته شده و این كه میفرمایند خارج از فلسفه بیه است اگر درست دقت بفرمایند خواهند دید اینطور نیست زیرا ممكن است در موقع بیه كردن يك عمارتی بیه داشته باشند بگویند این عمارتی را كه من بیه میدهم تمامش از آجر ساخته شده است و آن بیه كنده بگویند يك عمارت آجری را بیه میکنم وقتي كه سيل آمد و آب آن عمارت را خراب کرد می بیند تمام آن از خشت ساخته شده است این يك نقلی است كه بیه بدهنده کرده است و اگر بیه كنده آن عمارت را نسا زد هیچ منافی با فلسفه بیه نیست بیه بجای خودش است منتها این شخص يك قلب و دردی کرده و آن قرار دادی را كه کرده اند موافق آن رفتار نکرده است در این صورت مطالب بر میگردد بیه معامك همینطور وقتي كه شخصی بسته امانتی را با اداره بست داد و خودش هم بنا بر قرار داد قیمتی از برای آن معین میکند آنوقت بموجب این قانون اگر در بین راه آن امانت مفقود شود و اداره بست در ضمن معامك بتواند ثابت بکند كه قيمت آن از روی قلب اظهار شده آنوقت دیگر اداره بست و دولت ضامن آن امانتی كه به دست داده شده است و قيمت آن از روی قلب اظهار شده نیست این مطلب راجع بوقتی است كه امانتی مفقود شود در غیر این موقع كه محل حرف نیست بجهت اینکه اداره بست يك حق الضمانه گرفته كه يك امانتی را بعهده برساند و رساننده و رسیدش را هم بصاحبش رد می كند نزع در موردی است كه وقتي يك امانتی را اداره بست بیه کرده مفقود شود آن راه هم در صورتی كه میگویند اداره بست در يكی از معامك رسمی ثابت كند كه شخص بیه كنده، قلب کرده و دروغ گفته است دیگر هیچ اشكالی باقی نمی ماند و اینهم كه گفته شد اداره بست اگر بخواهد ثابت كند كه آن شخص قلب کرده باید امانت مردم را تفتیش كند هیچ محتاج به تفتیش نیست و ممكن است ثابت شده این قلب بجهت قسم دیگر باشد مثلاً امانتی در بین راه باشد و ضایع میشود وقتي كه باز می كند می بیند آن چیزی كه فاسد شده است هزار تومان بیشتر قيمت نداشته است در صورتی كه بیه كنده آنرا صد هزار تومان قيمت کرده است آنوقت عین مالش موجود است و به معامك ارائه میدهد و ثابت می كند كه این مال این قيمت را نداشته و در اینجا بیه كنده قلب کرده است پس بموجب این قانونی كه اینجا وضع میشود دست تمام مردم میدهد میگویند هر گاه در موقعی كه تو مال خود را بیه میکنی دودغ بگویی دولت هیچ مسئولیت و ضایعاتی ندارد در این صورت این يك ضرری است كه خودش بخودش وارد کرده و هیچ ایرادی به دولت نیست و دولت تقصیری نکرده و نباید در اینجا غرامت بدهد این جهت بنده این فقره را خیلی صحیح و هیچ مخالف اساس بیه نمیتوانم و خیلی هم بوقوع نوشته شده است.

نظام السلطان - يك قسمت هرايش بنده را كه میخوانم دليل صحت قول خودم بیاورم آقای حاج شیخ اسدالله فرمودند و يك قسمت دیگر اینست كه عرض میکنم تمام صحبت در اینجا كه اگر يك وقتي امانتی مفقود شد این بیه متعلق بهمان است و اگر کسی مالش را بيك نقطه بفرستد و بداند این مال مرتب و سالم بقرصد خودش میرسد هیچ وقت نمی آید يك مبلغ گزافی بعنوان بیه بدهد پس مقصود از بیه كردن این است كه احتمال میدهد شاید برای امانت او بلایی حاصل شود و بمنزل نرسد لهذا این وجه را اول میدهد و بداند این وجه مطمئن میشود كه اگر این مال عیب کرد اداره بست خانه از عهده غرامت آن برمی آید حالا اگر بنویسیم امانتی كه مفقود شد اگر (اداره بستخانه در يكی از معامك رسمی قلب بیه كنده را ثابت كند غرامت نخواهد داد).

اولا باید دانست اداره بست بچه قسم میتواند این مطلب را ثابت كند از این گذشته تا يك اندازه قوانینی كه امروز میگذرد باید يك ترتیبی باشد كه اسباب تسهیل كار و اسباب آسایش عامه فراهم شود نه اینکه تمام اسباب اشكال شود بنده عقیده ام این است كه اگر این ماده را تجربه كند علاوه باید معلوم شود كه آن معامك رسمی در عدلیه است یا در جای دیگر مثلا ممكن است بموجب نظامنامه این معامك را در داخله خود بستخانه قرار بدهند معلوم نیست كه معامك آنرا در كجا قرار داده اند و دیگر این كه شرحی پیشنهاد میکنم كه این ماده تفكیک بشود شاید رفع اشكال بشود.

معتصم السلطان - در اینخصوص كه در اصول بیه مذاکره فرمودند گمان میکنم اگر درست دقت بفرمایند و نظامنامه ها و قرار نامه های اداری بیه را ملاحظه فرموده باشند میدانند بعضی چیزها مستثنی است و در پشت او را بیه و نظامنامه های بیه استثناء کرده اند همینطور كه در اینجا اداره بست بعضی چیزها را شرح میدهد و در آنجا هم بعضی چیزها را شرط میکنند و اینکه آقای سردار معظم فرمودند باید طرف پرود بدلیه و ثابت كند اینطور نیست در اینجا میشود بستخانه باید ثابت كند و این مطلب برای کسی ضرر ندارد در قانونی یستی نوشته شده است كه اگر يك چیزی را كه مردم با اداره بست امانت داده اند سرفقت شد باید یا همین امانت یا قيمت آنرا ناسی سال بدهد لهذا میگویند كه اگر من تا يك سال این امانت را كه به بستخانه داده در معامك عدلیه ثابت كردم كه به قلب (مخصوصاً لفظ قلب ذكر شده است).

این قيمت را معین کرده مسئولیت نخواهم داشت این مطلب اهمیتی ندارد كه آقایان آنقدر وحشت دارند و مخالفت میکنند دولت میگوید این اخبار را بمن بدهند كه اگر قلب آن شخص را ثابت كردم غرامت ندهم فرضاً در بین راه كاشان و نظیر يك دزدی پیدا شد چنانچه اغلب هم پیدا میشود و يك شخصی كه از وقوع این مسئله مسبوق است می آید و بر بار آجری میفرستد رصد هزار تومان بیه میکند اگر این قلب را از روی دفتر او یا طور دیگر در معامك عدلیه ثابت كند چه حرقی دارد و اگر نتوانست ثابت كند البته از عهده غرامت برمی آید.

نایب رئیس - گویا مذاکرات کافی است

(بعضی گفتند کافی نیست) پس رای میگیریم باین كه مذاکرات کافی است یا کافی نیست آقایانی كه مذاکرات را کافی میدانند قیام نمایند.
(عده كثیری قیام نمودند)

نایب رئیس - آقایان مذاکرات را کافی دانستند فقره ثانی قرائت میشود
(بعضیون ذیل قرائت شد)

ثانیا - در صورتی كه اداره بست حمل اشیائی را بعهده بگیرد كه موافق مسطور است ماده هفتم مجبور بقبول آن نباشد و در این صورت خود را مخصوصاً از مسئولیت خارج نماید

نایب رئیس - در این فقره مخالفی هست؟
حاج شیخ اسدالله - بنده تصور می كنم این عبارت ناقص باشد در موقع گرفتن امانت اداره بست باید معلوم مسئولیت خودش را بطرف اظهار كند (فقره سوم بعضیون ذیل قرائت شد)

ثالثاً - در صورتی كه علت فقدان یا تضییع مرسولات وقایع جنگی و شورش داخلی مملكت و یا انقلابی باشد كه رفع آن از عهده حكومت معلی خارج است ولی مطالبه كنده همیشه حق خواهد داشت كه در باب اثبات متوجه اضطراری بودن كه استدلال بآن میشود دلایل لازم را بخواهد

نایب رئیس - آقای معتصم السلطنه فرمایند دارید؟

معتصم السلطنه - بنده عرضم این بود كه در موقع رای گرفتن این ماده باید تجربه شود

نایب رئیس - این تقاضا قبالا شده و پذیرفته است.

حاج شیخ اسد الله - در این عبارت (در صورتی كه علت فقدان یا تضییع مرسولات وقایع جنگی و شورش داخلی مملكت و یا انقلابی باشد) در شور اول مذاکره شد و بنده هم عقیده خود را عرض كردم كه اینطور موافق اداره بست مكلف است اشیاء را بیه نكند و مسئولیت را بعهده خود بگیرد اما بعد از اینکه اداره بست مسئولیت را بعهده گرفت و بیه كرد در مقابل آن وجهی گرفته ضامن میشود دیگر نمی تواند بگوید در مملكت شورش انقلابی بوده است مگر در مواقع اتفاقی كه فوراً بعد از ارسال امانت آن انقلاب حادث شود نه در موقع گرفتن امانت اینكه این مطلب را بطور اطلاق نوشته اند بنده صحیح میدانم و عقیده ام این است خیلی بی مورد است برای خاطر اینكه شورش و انقلاب داخلی را اداره بست بهتر از آن کسی كه امانت میدهد اطلاع دارد باید نوشته شود مگر شورش و انقلابی باشد كه بعد از فرستادن امانت پیدا شود كه جلوگیری آن خارج از قدرت اداره بست باشد

مخبر - گمان میکنم اگر این ترتیبی كه آقای حاج شیخ اسدالله میفرمایند نوشته بشود خیلی اسباب اشكال اداره بست میشود بواسطه این كه فرض بفرمایند اداره بست يك امانتی را از بوشهر برای سیستان و یا از سیستان برای خراسان حمل میکند در آن موقع هیچ انقلاب و شورش نیست و اگر هم در آن موقع انقلابی واقع شد اطلاعش به اداره بست نرسیده حتی بستخانه مرکزی هم اطلاع ندارد به معنی اینکه حمل كرد يك افزایشی و

شود فردا بافت اشکالاتی شود که اسباب زحمت مردم باشد .

نظام السلطان - گمان بنده اینست که در این نامه بطوریکه نوشته شده چیزی نیست که اسباب اشکال باشد برای این که اینجا نوشته شده است (تمام دهاوی و مطالبات حقوقی راجحه به است) در صورتی که این دهاوی و مطالبات حقوق در محاکم قضائیه فیصل داده خواهد شد دیگر اسباب اشکال نیست و اینطور هم که اینجا نوشته شده است مخالف عقیده ایشان نخواهد بود . گمان میکنم کافی باشد .

رئیس - گویا مذاکرات کافی باشد رأی بگیریم بنامه ۴۸ آلمانی که ماده ۴۸ را تصویب میکنند قیام نمایند .

(غالباً قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد - ماده ۴۹ قرائت می شود .

(بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۴۹ - ژاندارمری و حکام ولایات و رؤسای فراسورانه را بطور کلی تمام مستخدمینی که از طرف وزارت داخله اجازه دارند در حدود اختیاری که با آنها داده شده است مأمور حفظ امنیت شوارع بستی در قلمرو خود هستند هر گاه در بین راه غلامان بستی چهار سارقین شده اشیاء بستی توسط مردمان خارج از اداره سرتقت یا غصب و غارت شود حکام و رؤسای ژاندارمری و فراسورانه اقدامات لازم برای تعقیب مرتکبین و سارقین بعمل خواهند آورد تا اسباب اجرای مندرجات مواد (۴۰ ، ۴۱ و ۴۲ و ۴۳) برای اداره بستی فراهم شود .

محمد هاشم میرزا - در شور اول بنده هم عرض کردم و جواب ممکنی بنده ندادند این ماده ابتدا با اداره بستی راجحه بستی و راجحه وزارت داخله است چنانچه در قانون وزارت داخله راجحه بوظایف فراسورانه نوشته شده که بطور باید مواظبت راهها را بکنند سارقین را بچه ترتیب تعقیب نمایند معلوم است فراسوران و ژاندارمری برای حفظ طرق و شوارع است و اختصاصی با اداره بستی ندارد راجحه به تمام راهها است و راجحه بتمام سارقین و بنام اشخاصی است که ممکن است یا سارقین مصادف شوند اینگونه حوادث اختصاصی با اداره بستی ندارد .

اگر باید این قبل مطالب در قانون بستی نوشته شده ممکن است چندین ماده دیگر هم نوشته شود مثلا برای عدلیه هم بنویسیم که تکلیفشان این است دهاوی بستی را فیصل بدهند و ممکن است از هر جا که یک مطلب راجحه بیک اداره میشود چندین ماده ذکر شود بنابراین بنده این مسئله را در آنجا زائد میدانم و از وظایف حتمی ژاندارمری میدانم و در قانون وزارت داخله باید نوشته شده معاون وزارت بستی و تلگراف در شور اول هم در آن باب مذاکره فرمودند و کاملا توضیح داده شد لکن توجهی فرمودند چنانچه حالا هم توجه ندارند و تصور میکنم میخواهند این ماده را رد بفرمایند لکن بنده مجبورم باز هم توضیح بدهم و عرض کنم که این ماده از تمام مواد اهمیتش زیاد تر است گمان میکنم در اصل این ماده مخالفی نباشد زیرا لابد اداره بستی همانطور که اموال مردم

را ضمانت می کند و بستی را حرکت میدهد باید حفظ بستی را هم بکنند و آقا یا تمام که مخالف هستند میگویند وزارت داخله و مأمورین دولت ابتکار را بکنند و لازم نیست در قانون بستی نوشته شود بنده عرض میکنم وقتی که با قانونی در مملکت میگذرد اگر یک ماده آن راجحه بوزارت خانه دیگر باشد در آنجا هم تکرار شود ضرر ندارد و بلکه خیلی نافع است چرا؟ بعلم اینستکه اغلب آقایان مسبوق هستند که بحتل مردمی در ولایات هستند که باین قانون متذکر نباشند آنوقت اداره بستی باین قانون تکیه میکنند و بامور وزارت داخله که ملازمین بستی هستند میگویند مطابق قانونی که از مجلس شورای ملی گذشته است شما مأمورین که حفظ اموال و اشیاء بستی را بکنید و از سرتقت مواظبت نمائید پس این ماده هیچ ضرری ندارد و نوشتن او لازم است اما یک مطلبی هست که باید آقایان آن را در نظر بگیرند و ملاحظه فرمایند که در این دو سه ساله اداره بستی بقدت فراموش مال مردم را داده است لابد این ضرر متوجه به بودجه دولت میشود و اداره بستی باید هر سال مبلغی خسارت بدهد پس نوشتن این ماده در اینجا جز اینکه اداره بستی را تقویت می کند که دفاتر و حرکت بستی منظم باشد هیچ ضرری ندارد میفرمایند این مسئله در قانون وزارت داخله نوشته شده است بنده که بآن قانون رجوع کردم در آنجا ذکر از بستی بستی و فقط نوشته شده است باید طرق و شوارع را مواظبت کنند البته حفظ طرق و شوارع از وظایف آنهاست و باید این کار را بکنند ولی همیشه این قسم مسائل در طرق و شوارع اتفاق نیافتد و ممکن است در دفاتر بستی اتفاق بیفتد بنابراین این گمان میکنم اگر موافقت کند بک ماده که قانونا حق وزارت داخله است در اینجا نوشته شده که مأمورین دولت تکلیف خودشان را بدانند و مردم هم بدانند که مجلس این قانون را وضع کرده است و مأمورین دولت مأمور حفظ حقوق مردم هستند و ضرر نداشته باشد خیلی هم نافع باشد

سردار معظم - بنده با وجود کمال دقتی که در توضیحات ایشان کردم باز قانع نشدم اگر بستی های ماراهای مخصوصی داشت و فقط برای حمل بستی تغذیه شده بود آنوقت شاید بنده موافقت میکردم که بنامه در اینجا نوشته شود اما وقتی که بستی ما کلبتا در طور مطلق بامورین دولت سیرده شده است بنده جهتی نمی بینم و ظانمی که برای آن مأمورین معین میشود در قانون بستی نوشته شود و عقیده بنده این است که این ماده در اینجا هیچ لازم نیست نوشته شده و زیادتی است

معاون وزارت بستی و تلگراف - اگر چه فرمایش آقا هیچیک از دلایلی را که بنده عرض کردم رد نمی کند که باز تکرار کنم اگر بقوانین جاهای دیگر رجوع کنند خواهند دید که وقتی یک قانونی وضع میشود در آن قانون بعضی مواد و قوانین دیگر که راجحه بوزارت خانه های دیگر است ذکر میشود و هیچ ضرری هم ندارد بولاره بنده یک مطلب مختصری عرض میکنم که آقا درست ملاحظه فرمایند و باین مطلب خانه بنده و آن اینست که از نوشتن یک

مطلب بی ضرری هشتاد هزار تومان بدرات فایده برسد خود آقایان میگویند که این نامه باید نوشته شود و وزارت داخله هم مسئول او است بنده عرض میکنم با اینکه او مسئول است نوشتن آن در این قانون مستلزم یک همچو فایده بزرگی است رای دولت و بتجربه عرض میکنم نوشتن این نامه بسیار لازم است و فوائد مطبوعه دارد و در صورتیکه در این قانون هم باشد هیچ ضرری ندارد در این قانون نوشته شود

رئیس - گویا مذاکرات کافی است - رای میگیریم به این نامه آقایانی که این نامه را تصویب میکنند قیام نمایند

(۳۲ نفر قیام نمودند)

رئیس - بلانکلیف مانده صد آلمانی ۶۴ نفر است و ۳۲ نفر رای داده اند

(گفته شد مجدداً رأی گرفته شود)

رئیس - مشکوک نشده که تا با رأی بگیریم اگر مشکوک بود رأی می گرفتیم ماده ۵۰ قرائت میشود .

(باب چهارم - مجازات و عقوبات)

ماده ۵۰ - هر گاه یکی از اجزای بستی مندرجات و یا رجوع یا آنها و یا کارت های بستی و سایر مرسولاتی را که بیستخانه سیرده میشود قاش و آشکار نماید مگر در مواقعی که قانون آنها را مجبور میکند یا اینکه یکی از آنها را از میان ببرد از خدمت بستی خلع خواهد شد و مادام العبادت در هیچیک از دوائر و ادارات دولتی پذیرفته نخواهد شد .

رئیس - در اینصورت نظریاتی هست ؟

عبدالملك - چون مواد مجازات بکمیسیون عدلیه ارجاع شده است اطلاعاتی دارم می خواهم عرض کنم .

رئیس - بعد از یک مخالف بفرمائید - آقای حاج شیخ محمد حسن مخالفند ؟

حاج شیخ محمد حسن - ماده را دوباره قرائت بفرمائید زیرا با این نسخه صکه بنده دارم مطابقت ندارد .

مجدداً قرائت شد

حاج شیخ محمد حسن - صبیح است مرضی ندارم .

عبدالملك - مواد مجازات قانون بستی به کمیسیون عدلیه ارجاع شد چون آقای مدرس نظریاتی داشتند قرار شد در کمیسیون عدلیه نظریاتی بشود و چند جلسه هم مذاکره شد ولی هنوز تمام نشده و ممکن است در یکی دو جلسه دیگر تمام شود و راپورتش ب مجلس تقدیم شود ولی این نامه که فعلا مطرح است بنظر کمیسیون عدلیه نرسیده .

مخبر - آروز که مخالفت شد در خصوص سایر مواد مجازات بود ولی این نامه چون راجحه بامور داخلی اداره است قرار شد همین جانوشه شود همین فصل ۵۱ هم نباشد در اینجا نوشته شده ولی در باقی مواد قرار شد آقایان در کمیسیون عدلیه نظریات خودشان را العاق کنند و ب مجلس بیاورند

سردار معظم - اگر چه بعضی از این مجازات ها را میشود مجازات اداری اسم گذاشت ولی اینکه یک کسی از سکار خلع شود و مادام العمر در هیچ اداره پذیرفته نشود یک حق بزرگی از او سلب

میشود خوب است - قانون مجازات نسبت بتمام ادارات مطابق باشد و مجازات هایی که در ادارات مختلفه معین میشود با هم متناسب باشد و در یک اداره برای یک قصور جزئی مجازات های خیلی خیلی سختی معین کنند و از یک اداره دیگر برای یک قصور خیلی بزرگ فقط یک اخطار و یا بیک اخطار با درج در دوره خدمت اکتفا شود بعقیده بنده اخراج از خدمت از مجازات های خیلی خیلی سخت است و کوچک نیست و باید بطور متناسب نوشته شود .

معاون وزارت بستی و تلگراف - بنده لازم میدانم امروز در اینجا یک توضیحی بدهم که تا قانون میگذرد و این اظهارات در جرایم نوشته شود بطوری نوشته شود که اسباب اخلال اداره بستی فراهم نشود خیلی تمجب کردم از آقای سردار معظم که در این نامه و آتماده که مواد اساسی اداری هستند مخالفت میفرمایند و افسوس میخورم از اینکه چند ماده که راجحه باصل ایجاد بستی بود با در مجلس حذف شد یا رجوع شد بکمیسیون در اینصورت عرض میکنم مادامی که این قانون از مجلس نگذشته و بصحه های بستی رسیده است اداره بستی بهمان ترتیب اداری خودش که معمول است رفتار خواهد کرد تا اینکه کمیسیون ترتیب خود را بدهد و اینست از مجلس بگذرد اما در خصوص مجازات که میفرمایند مجازات اداره بستی را نباید نسبت بیک اداره دیگر فرق داد عرض میکنم کافی بستی یا تلگراف مردم پس از اینکه کشف شود باید ب مجازات خیلی سختی داشته باشد و غیر از مجازات آن کاغذ است که من بوزارت داخله بنویسم و این نامه قانون هم در شور اول آقای مدرس که نسبت ب مواد مجازات نظریاتی داشته قبول شد که در همین جا بهمین ترتیب بماند و بعد از آنکه این نامه در اینجا باقی ماند البته وقتی که نظامنامه داخلی اداره بستی نوشته می شود باز کردن و افتتاح یا کارت اقدام مختلفه پیدا میکنند که است یک کسی سهواً باز بکند یا یک کسی عمداً باز بکند و یک کسی بر حسب یک دستور العملی که با داده شده است باز نماید اینها اقسام مختلف پیدا میکنند و آن وقت در نظامنامه مجازات آنها هر یک بیک ترتیبی نوشته میشود ولی در مجلس شورای ملی باید سختترین مجازات (برای مأمورینی که خلاف سه ماده اساسی بستی در اینجا گفته شد یکی مسئله انحصار کاغذجات بود که پیشنهاد کردند نقدجات را مردم بتوانند ببرند و بکمیسیون رجوع شد اداره بستی سه کار اساسی دارد یکی انحصار کاغذجات است و یکی انحصار طبع تمیر و یکی اینکه مأمورین باید در کار خودشان مراقب باشند و الا باید مجازات شوند حالا بعضی از اینها رد میشود و بعضی بکمیسیون رجوع میشود بنده عرض میکنم تا زمانی که این قانون تصویب نشده است اداره بستی بهمین ترتیب رفتار خواهد کرد .

رئیس - - موادی که بکمیسیون رفته بر

معاون - بلی عرض کردم تمدنی که قانون تصویب نشده باشد مذاکراتی که در جرایم نوشته میشود بولایات می رود رسبیت ندارد .

محمد هاشم میرزا - بنده عرض میکنم

عیاض ما سوء تعبیر و تفسیر میشود مانگفتیم وزارت داخله سارق را نکیرد یا اداره بستی مأمورین خود را مجازات ندهد هیچ نکته ایم که برای خیانت های بستی مجازاتی نباشد هیچکس هیچ مطالبی را نمیگوید منتها میگویند باید در موقتش نوشته شود مجازات اداری چه چیز است ؟ مجازات اداری آن چیزهایی است که اداره بتواند بکند یعنی بتواند ده روز یک ماه و شش ماه او را از کار ببنداند و یا حقوق او را استرداد کند و از حقوقش کسر بگذارد و آخرین کاریکه یک اداره میتواند نسبت باجزای اداره خودش بکند این است که میگوید تو از این اداره خارج هستی ولی ممکن نیست بتواند بگوید تو در هیچ یک از ادارت دولتی پذیرفته نخواهی شد و شش ماه هم حبس خواهی شد اینها یک مجازاتی است که بعقیده بنده جزء مجازات اداری نیست و باید در جزء مجازات های عمومی نوشته شود و یک ترتیب متناسبی داشته باشد میفرمایند کشف یا کارت خیلی خیانت بدی است ما هم حرفی نداریم ممکن است این قصور را با سرتقت پنجهزار تومان متقابل کنند بهرحال باید مغفرت شخصی و نوعی آن را بسنجیم و مطابق آن مجازات قرار بدهیم ما میگوئیم اداره بستی نمیتواند حبس برای مردم معین کند و نمیتواند یک کسی را بکلی از داخل شدن در تمام ادارات دولتی محروم کند عیاض ما این است و هیچ ربطی بمجازات ندادن ندارد و سوء تعبیر کردن عیاض ما صبیح نیست .

معاون وزارت بستی و تلگراف - اولاً اشتباه نفرمائید که در کلیه قوانین دنیا رسم است مأموری که در بستی اداره خیانت کرده در اداره دیگر نمیتواند داخل خدمت شود تا با این مطلب که در اینجا نوشته شده راجحه بخیانت اجزاء خود اداره بستی است و نمیتواند راجحه بکمیسیون کرد و اگر هم بایستی بکمیسیون عدلیه برود بنده مخالفتی ندارم در اینجا توضیحات خود را خواهم داد چون در شور اول قبول شد که در همینجا مذاکره شد اگر میفرمائید باید بکمیسیون برود رأی بگیریم تا معلوم شود .

سردار معظم - اگر در ضمن مذاکرات (آنها را تمجب) مدرک حقانیت باشد آنوقت حق باینده نیست و با آقای معاون است ولی تصور میکنم مدرک حقانیت ب چیز دیگری باشد و هنوز تصور نمیکنم حق با ایشان باشد چون عیاض من و اظهارات ایشان در موضوعهای مختلفه بود و ایشان جواب بنده را ندادند و مقدمتاً میتوانم بگویم موادی که از نظر اصلاحی بکمیسیون برگشته است چنانکه شاید خودشان تصدیق بفرمایند که گرفتن حق تمیر از بیستخانه قدم بزرگی راجحه باصلاح بوده اما در خود اصل مطلب این نکته را باید دقت بفرمایند که مجازات در تمام دنیا باید متناسب با قصور باشد و بالاخره مجازات ها باید بمجازات های اداری و مجازات های مملکتی تقسیم شوند بنده شاید حاضر باشم که بپذیرم که اگر یک مأموری بخلاف ترتیب اداری رفتار کند او را از خدمت اداره بستی خارج میکنند اما شما برای آتیه یک شخصی تکلیف دائمی قطعی معین میکنید و در قانون بنویسید که دائمی است هیچیک از ادارات دولتی پذیرفته نخواهد شد بنده عرض میکنم

این مسئله در قانون بستی جایش نیست بلی بنده هم تصدیق دارم که یک کسی را که از اداره خارج کردند او را در ادارات دیگر نمی پذیرند اما آن را قانون اداره معین نمیکنند یک قانونی که همومیت او زیادتر است و برای کلیه مستخدمین معین است آنرا در آنجا معین میکنند و الا اگر بخواهند اداره با اداره و دائره بدائره و شعبه بشبه یک مجازات های عجیب و غریبی برای اجزاء خود بنویسند بالاخره چون اینجا قانون نوشتند و باید اجرا شوند چیز فربسی خواهد شد مثلا میگویند کشف یک پاکت بستی اهمیتش از کشف یک پاکت شخصی زیادتر است بنده هم قبول دارم و در این تردید ندارم بجهت اینکه اداره بستی خانه برای این ساخته شده است که مراسلات مردم را برساند و یکی از شرایط اولیه آن مصون داشتن مراسلات مردم است ولی در ادارات دیگر تقصیری مثل آن پیدا خواهد شد یا نه ؟ البته در هر یک از ادارات نسبت بمعمل خودش نظیر این تقصیر پیدا می شود پس وقتیکه از حیث تقصیر مشابهت حاصل شد از حیث مجازات هم باید مشابهت شده حالا چرا این ترتیب نیست ؟ بجهت اینکه قوانین ما از نقطه نظر خصوصی نوشته میشود وقتیکه قانون بستی می نویسیم تمام نظر خودمان را محدود میکنیم به بستی و هیچ نظر دیگری نداریم در صورتیکه اینطور نباید باشد بهرحال بعقیده بنده این ماده باید بکمیسیون برود و آن قسمتی که راجحه با استخدام است در قانون استخدام و آن قسمتی که راجحه بتقصیرات اداری است در قانون بستی نوشته شود اما تکلیف آتیه مأمورین بستی را نمیشود در قانون بستی معین نمود دیگر اینکه این مجازات ها را باید با مجازات های دیگر برای سایر وزارتخانه ها معین میشود موافقت بدهم

معاون - بنده بوقت مجلس شورای ملی را شریف تر از این میدانم که مذاکرات طویل و خاصی بپایان بیاورم همین قدر عرض میکنم که آقایان دقت بفرمایند که اگر گاهی در بعضی قوانین یا همین قانون بستی بعضی موادی که راجحه بستی وزارتخانه دیگر است در اینجا ذکر میشود برای این است که آن قوانین وضع نشده است وقتیکه میخواهیم قانون بستی را بوضع اجرا بگذاریم باید آن مسئولیت های را که اداره بستی برعهده گرفته ملاحظه کنیم از آن جمله باز کردن پاکت و غیره است که راجحه باجزای بستی است و چون هنوز قوانین راجحه بمجازات عمومی نگذشته است و اداره بستی موافق این قانون مسئولیت را قبول میکند باید بتواند اجزاء خودش را که مرتکب چنین عملی میشوند مجازات کند و در جواب آقای سردار معظم عرض بکنم که رفع اشتباهشان بشود شاید انشاء الله قبول بفرمایند و این ماده که راجحه با داخل اداره بستی است تصویب شود در این قانون و همچنین در تمام قوانین که نوشته میشود باید این نامه در آخر آن نوشته شود که بنده از اینکه این قانون بوضع اجراء گذاشته شد کلیه قوانینی که راجحه باین مسئله قبلا معمول بوده است نسخ خواهد شد البته قانون مجازات عمومی بعد از آنکه تدوین شد و از مجلس گذشت البته در آنجا یک ماده نوشته خواهد شد که تمام مجازات های معموله قبل منسوخ است و بعد تمام مجازات عموماً مطابق این قانون خواهد بود حالا اگر قانون مجازات عمومی زودتر از این قانون

از مجلس گذشت البته مقدم است و بموجب آن رفتار خواهیم کرد ولی اگر زودتر نگذشت باید طوری باشد که وقتی من مسئولیت را قبول میکنم یک ماده هم راجع به جوازات در این قانون باشد که من بتوانم این قانون را بوضع اجراء بکنم و مسئولیت خودم را حفظ کنم

عادل الملک - در مذاکراتی که میشود گمان میکنم اشتباه شده است کسی نگفته است مجازاتهای اداری باید در قانون صومعه نوشته شود چند بنده از این قانون را بکسیون عدلیه که صلاحیت اینکار را دارد فرستاده اند که در آنجا یکی دو جلسه رسیدگی شده و بعد به مجلس بیاید کسبیبون هم آن مواد را حاضر کرده و تصور میکنم هر جلسه بعد طبع و توزیع شود و آقایان ملاحظه خواهند فرمود که نظریه آقای معاون هم در آنجا تفتیش شده است هیچ اشکالی در کار نیست

رئیس - در اینجا مخالف قسم است بعضی از آقایان مخالف میکنند و میفرمایند باید این ماده تفکیک شود یعنی یک قسمت آن راجع باین قانون است و یک قسمت دیگر راجع نیست و بعضی از آقایان میفرمایند باید تعویق بیفتد حالا آقایان که میگویند باید تعویق بیفتد اگر پیشنهادی دارند بنویسند والا اگر پیشنهاد نکنند همین ماده باید برای بگیریم

مدرس - این ماده از آن موادی که بکسیون برکت نیست بجهت اینکه بنده آن نظری که داشتم در ماده سابق بود و بی عبارتی داشت که فعلا ندارد و آن جنس بود بجهت اینکه جنس باید معاینه شود حکم جنس با هم که اداری نیست لهذا این عبارت هم زده شد و اما اختلافی که حالا است گمان این است که چندین اختلاف منتهی نیست بجهت این که همه میدانند مجازات اداری مختلف است انفصال موقتی و انفصال دائمی در این اداره و سایر وزارتخانهها خیلی است که اینها مجازات اداری است بنده هم میخواستم عرض کنم که باز کردن کافهها از تصدیقات بسیار بزرگ است بواسطه اینکه امنیت را از اداره بر میدارد یعنی نظامی در آنجا بایستی میباشد و این خلاف انتظام است حالا این تقصیر بسیار بزرگ مجازاتش چه است گمان میکنم آن کسی که همچو تقصیر بزرگی را مرتکب شد فقط از اداره بیست بیرون برود این مجازات برای او کم است و حالا اینکه در هیچیک از وزارتخانهها مستخدم نشود آنرا باید اینجا نوشت یا جای دیگر عرضی ندارم والا این تقصیر خیلی بزرگ است

رئیس - مذاکرات کافی است رأی میگیریم بداده پنجاهم آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده ۵۱ قرائت میشود (بعضیون ذیل قرائت شد)

ماده ۵۱ - مأمورین عدلیه که دارای اجازه هستند و مستخدمین اداره است که دارای مناصب دولتی هستند در مقام تحقیق و تفتیش بر آمده تخلفاتی را که برخلاف این قانون واقع شده بشود میسرانند اشخاص مذکور مجازات تعزیمی را که در مقام شدت لزوم برای کشف مخالفتهای این قانون لازم است نسبت بمتصدیان حمل و نقل بنمایند و مرسولاتی را که برخلاف متدرجات این قانون اشخاص حامل واقع شده اند ضبط نماید در اینصورت

باین ضبط و توقیف باید بلافاصله صورت مجلس نوشته شود که در آن صورت اشیاء مضبوطه و عنوان آنها ذکر شده باشد اینصورت مجلس بانضمام اشیاء ضبط شده بنزد یکتربین دستگاهه ارسال میشود تا آنکه مقصر فرستاده شود و دو برابر حقوق بستی بدون جرایمی که بشخص مخالف تعلق میگیرد از گیرنده دریافت گردد مستخدمین اداره گمرک و دیگران نیز در آنچه راجع بقصد دوم و چهارم است دارای همین وظائف هستند در صورتی که اداره است احتمال میدهد که با کتبی معنوی وجوه یا اشیائی است که حمله بر خلاف این قانون است یا در صورتیکه با کت از خارج باشد احتمال میدهد که حاوی اشیائی است که حقوق گمرک بر آن تعلق میگیرد حق دارد افتتاح یا کت را بخواهد باز کردن این قسم یا کتها ضبط آنها در مورد لزوم در حضور فرستنده یا گیرنده خواهد شد و اگر مشارالیه از حضور با اداره امتناع کرد یا بعلت دیگر حاضر نشد تفتیش و ضبط در صورت لزوم در قیاب او خواهد گردید ترتیبات مذکوره بسایر مرسولات غیر از پاکت تعلق نخواهد گرفت

رئیس - در اینجا کوبا غلطی داشته باشد بجای (در این صورت مجلس) باید نوشته شود (و صورت مجلس بانضمام اشیاء مرصوله بنزد یکتربین دستگاهه ارسال میشود)

سردار سعید - بنده اساساً با تفتیش و رسیدگی بیارها و لباسها و سایر چیزها بیکه متعلق بجاروادارها است مخالفت ندارم ولی عرض میکنم که در اینجا یک چیز کم دارد و خوب است افزوده شود و آن این است که این مأمورینی که اسم برده شده است ممکن است در وسط بیابان که شاید سه فرسخ بمنزل مانده باشد بیک جارواداری برسند و بگویند باید تمام اموال خود را در این بیابان باز کنی و بریزی تا تفتیش بکنیم در آنوقت آن جاروادار باید تمام بارهایش را زمین بریزد در صورتیکه شاید کمک هم نداشته باشد و بعد نتواند بارش را بار کند بهلاوه در آنجا کسی خواهد بود که صورت مجلس بنویسد خوب است نوشته شود در تحت نظر آن مأمورین بمنزل برسند و در منزل این تفتیش بشود صورت مجلس نوشته شود

مخبر - اولاً اموال و لباس جاروادارها که فرمودید در آنجا نوشته شده است همچو چیزی نیست و در صورت این مسئله در کسبیبون اصلاح شد و طبع هم شده است گذشته از این اشخاصی که که برای تفتیش میروند مأمورین محترم اداره و صاحب مناصب اداره است هستند هر غلام یا فرشی با اجزاء بست نمیتواند این تفتیش را بکند که اسباب زحمت مردم فراهم شود و این تفتیش هم در موقتی خواهد شد که یک سرعظمی بیک مکاری یا بیک مسافری که در کاری نشسته پیدا شده باشد آنوقت آن تفتیش بعد میآید و الی بیوجه در وسط بیابان جلومکاری را بگیرند و اسبابهای آنها را بریزند هیچ هیچ چیزی نیست در این تفتیش در صورتیکه که اداره است تحقیق بکند سوء ظنی حاصل نماید که یک شخصی اینطور نوشتجات را حمل میکند آنوقت این تفتیش بعد میآید و آنها اشخاصی هستند که از طرف اداره است دارای حکم هستند و مخصوصاً برای این کار بروند نه اینکه هر کسی میتواند این کار را بکند

مباحث السلطنه - ایراد آقای سردار سعید صحیح بود در وسط صحرا بارها را تفتیش کردن شاید صحیح نباشد اگر بمنزل میسرانند و تفتیش بکنند که در آنجا یک عده باشند البته بهتر است و هیچ مخالفت و ضرری هم ندارد

منتصر السلطان - اینطور که آقای سردار سعید فرمودند کوبا اشتباه کرده اند و راپورتنی که از کسبیبون داده اند و آقایان فراموش کرده اند که همراه خودشان بیآورند از روی آن لایحه وزارت که تقدیم مجلس شده بود مطالعه بنمایند و تنقیدات میکنند اگر آن راپورتنی را که از کسبیبون آمده و طبع و توزیع شده است ملاحظه میفرمودند میدانند که چنین چیزی نیست که در بیابان بیابند و لباس و اسباب های مسافری را تفتیش کنند چگونه میشود بکنند مقش که صاحب منصب محترم یک وزارتخانه است در وسط بیابان بیاید تفتیش کند استعدا میکند بعد از این روزها برای راپورتنیکه از طرف کسبیبون داده میشود متذکر بشوند و همراه بیآورند که این قبیل اشتباهات را نفرمایند

(همی گفتند راپورت کسبیبون حاضر است) **رئیس** - این اشتباه را فقط آقای سردار سعید فرمودند و این اشتباه هم برای این بود که دو راپورت داشتند و ما بین آن دو راپورت اشتباه کرده بودند

سردار سعید - بعد از توضیحی که آقای مخبر دادند و فرمایشاتی که آقای منتصر السلطان فرمودند باز هم مطلب بنده را جواب ندادند بنده عرض میکنم شاید در وسط بیابان بیابان بیاید کسی را زمین بریزد و بگویند میخواهیم تفتیش و رسیدگی کنیم بنده میگویم در تحت نظر همان مأمور بمنزل برسند در منزل با حضور بعضی اشخاص دیگر رسیدگی و تفتیش کنند زیرا در بیابان ثالثی میان آن مأمور بست و جاروادار نخواهد بود و کسی نیست که صورت مجلس را بنویسد

مخبر - بنده از این تفسیرانی که میشود تعجب میکنم در کجای این قانون نوشته است که در وسط صحرا این کار را خواهند کرد البته مأمورین متصدیان حمل و نقل را تعقیب میکنند تا بیک منزلی برسند و بارش را فرود بیاورد آنوقت در آنجا بارها نگاه میکنند اگر برخلاف قانون رفتار کرده باشد در آنجا صورت مجلس میفرستند و چهار نفری که در آنجا هستند تصدیق میکنند آنوقت بوقع اجرا میگذرانند بر فرض که وسط صحرا خواهند این تفتیش را بکند صورت مجلس را هم نوشته کی امضاء خواهد کرد این تفسیر است که بی جهت میکنند اسباب زحمت می شوند

سردار سعید - بنده در این موضوع پیشنهادی دارم

رئیس - بنویسید بفرستند **حاج شیخ یوسف** - بنده از بیانات آقای مخبر و آقای منتصر السلطان خیلی متعجب هستم با اینکه ایشان در هیچیک از طرق ایران عبور نکرده اند و باقی هم عبور کرده اند نسبت بمبصر الملکی منتصر السلطانی عبور فرموده اند و هیچ تصور نمیفرمایند که عموم مردم از طرف مأمورین چه صدمه ها می کشند و

مأمورین طرق و شوارع با سایرین چه طور رفتار میکنند میفرمایند کسبیبون عبارت را تغییر داده است راست است در کسبیبون تغییر داده شده است اما چه طور تغییر داده اند یک تغییر غریبی کالغظ (در اموال و لباس جاروادارهایی را انداخته اند و یک عنوان کلی قرار داده اند نوشته اند) نسبت بمتصدیان حمل و نقل (این عنوان کلی است و هیچ جلوگیری نمیکند که در شارع در اموال و اشیاء مردم تفتیش نکنند بنده باز مجدداً عرض میکنم پیشنهادی که آقای سردار سعید فرمودند خیلی پیشنهاد صحیحی است و باید طوری بکنند که اسباب زحمت عابرین نباشد

مخبر - اینکه میفرمایند این ماده صوم مردم را بزرخت می اندازد عرض بکنم که راجع بموم نیست و فقط راجع بمتصدیان حمل و نقل است البته آن اشخاص که میروند به آنها اظهار میکنند ما میخواهیم تفتیش بکنیم و به بنیم شما مخالف قانون است چیزی حمل و نقل کرده اند باید اجازه اجازه کتبی باشد نه اینکه هر کسی که اجازه اداره بست شد بیاید در صحرا جلو مردم را بگیرد وقت مردم را تلف کند البته آن شخصی که تصدی حمل و نقل است باید فوراً از او اجازه نامه کتبی بخواهند و نوشته در دست داشته باشند تا او را به آن سمت بشناسند و تا امروز یک چنین اتفاقی نیفتاده که یک کسی برخلاف قانون رفتار کرده باشد و اسباب زحمت مردم را فراهم نموده باشد و بعد ما هم مطابق این قانونی که الان در مجلس مطرح کرده است جلو گیری خواهد شد و مأمورین بست هر وقت بناباید یک تفتیش بکنند در یک منزلی خواهند کرد که بتوانند صورت مجلس آن را بنویسند و چهار نفری که در آنجا حضور دارند و مسبقاً آن صورت مجلس را امضاء کنند فرضاً در پایان تفتیش کرد و صورت مجلس هم نوشت کی امضاء میکنند البته صورت مجلس که امضاء نداشت صورت مجلس نیست و رسمیت ندارد

حاج شیخ اسدالله - مکرر در این باب مذاکره شده و آقای مخبر دفاع فرمودند و آخر جواب آن نکته و آن مبنی را که از این عبارت تولید میشود فرمودند بلکه تصدیق فرمودند میفرمایند در بین راه وقتیکه یک مأمور برسد باید از او یک نوشته رسمی مطالبه کرد و میفرمایند همه کس نمیتواند هر جا بکند مسافری تفتیش کند مقصود این است که در اینجا عبارت بطور اطلاق نوشته شده است و بآن منش اجازه میدهد که در هر نقطه بخواهد تفتیش بکند بتواند باین واسطه اسباب زحمت فراهم میشود باید در این قانون مقید کنند که اگر مقش از یک جمعیت یا از یک مکاری ظنی شد آنها را در وسط بیابان معطل نکنند مراقبت بکنند و آنها را بمنزل میسرانند و در اینجا هر تفتیش میخواست بکنند باین ترتیب که نوشته شده است بمقتضی اجازه میدهد که در هر نقطه که بخواهند تفتیش کنند بتوانند و ابتدا مقید نکرده اند که در شهر باشد یا در صحرا این پیشنهادی که آقای سردار سعید کرده اند بسیار پیشنهاد خوبی است و خود مخبر هم تصدیق میفرمایند که اگر در بین راه یک کسی را تفتیش بکنند خیلی بد است معذکات از این دو کلام که نوشتش در این ماده خیلی

خوب است و رفع اختلاف هم میشود دفاع میفرمایند این چه ضرر دارد که در تحت نظر همان مأمورین منزل برسند آنوقت هر تفتیش که میخواهند بعمل بیآورند **رئیس** - پیشنهادی که از طرف آقای سردار سعید رسیده قرائت میشود (بعضیون ذیل قرائت شد) بنده پیشنهاد میکنم که نوشته شده بارها جاروادارهای مضمون را در تحت نظر بمنزل رسانیده با حضور موقشین محلی تفتیش کند و صورت مجلس نوشته شود

رئیس - اصلاحی از طرف آقای سعید هم میرزا رسیده قرائت میشود (بعضیون ذیل خوانده شد) بنده پیشنهاد میکنم صورت مجلس با اطلاع اهل قافله نوشته شود و در صورت نبودن عده که لاقفل چهار نفر باشد در تحت مراقبت مأمور به نزدیکترین نقطه آبادی خط راه رسانده و تفتیش نموده و صورت مجلس نوشته شود

مدرس - بنده هم پیشنهادی کرده ام **رئیس** - بسیار خوب قرائت میشود (بعضیون ذیل قرائت شد) بنده پیشنهاد میکنم که در ماده ۵۱ بجای احتمال بنده در دو مورد نوشته شود در اول سوء ظن حاصل نماید و در ثانی سوء ظن حاصل شود **رئیس** - آقای سردار سعید توضیحی دارید بفرمایند

سردار سعید - توضیح دارم باز هم عرض می کنم خود آقای مخبر که عرایض بنده را تصدیق فرمودند خوب است این اصلاح را قبول بفرمایند کسبیبون برود و در آنجا نظریاتی بشود **رئیس** - آقای مخبر قبول میفرمایند **مخبر** - جلی قبول میکنم چون نباید وقت مجلس را بیش از این تلف کنیم **رئیس** - پیشنهاد آقای محمد هاشم میرزا تقریباً همین مضمون است ارجاع بکسبیبون میشود آقای مدرس توضیحی دارید

مدرس - در این ماده دو جا نوشته شده است (احتمال بنده) یک جا نوشته است (در صورتیکه اداره بست احتمال بنده که با کتبی معنوی وجود و اشیائی است که مجلس برخلاف این قانون است بعد از این عبارت باز در سطر پایین نوشته شده است) باین صورتیکه پاکت از خارجه باشد و احتمال بنده حاوی اشیائی است (بنده عرض میکنم دامنه احتمال خیلی وسیع است بجهت اینکه ممکن است بنده را ببینند و احتمال بنده که پاکت است کلاه من است لهذا بنده پیشنهاد کردم بموس این لفظ نوشته شود) هر گاه سوء ظن حاصل شود (و صرف احتمال نباشد افلا یک آناری که ممکن است هر کس در هر چیزی یک احتمال بنده ولی سوء ظن بکنندری دائره اش کوچکتر است و شاید خودش هم کمتر باشد

معاون وزارت پست و تلگراف - اتفاقاً همینطور که آقا میفرمایند این ماده در اداره پست

فلا موصول است اولاً آن جمله را که آقای سردار سعید پیشنهاد فرمودند و بکسبیبون ارجاع شد هیجوقت اداره بست تا باین دفتر بست نرسد نمی تواند صورت مجلس بنویسد و ثانیاً اینکه میفرمایند لفظ (احتمال بنده) بلفظ سوء ظن تغییر کند اینها تغییر عبارت است و معنا فرض ندارد اداره بست حتی سوء ظن هم قناعت نمی کند و موافق این ماده که اینجا نوشته شده است اداره بست قبلاً یک اسناد و دلالتی بست میآورد آنوقت این اقدام را میکنند والا برای اداره بست صرفه ندارد که یک مفتشین و صاحب مناصب مخصوص تهیه کند و متعجب گزافی بنده که بکوقت احتمال بنده فلانطور شده بهر حال تقاضا میکنم این ۴۰ فقره پیشنهاد بکسبیبون رجوع نشود که اصلاح شود وقتی بر میگردد و انشاالله رای داده شد

رئیس - پس بکسبیبون ارجاع میشود ماده ۵۲ خوانده میشود (بعضیون ذیل قرائت شد)

ماده ۵۲ این قانون ناسخ تمام قوانین و احکامی است که تا بحال در خصوص امور پستی صادر و وضع گردیده است یعنی تاریخ شروع با اجرای این قانون با دولت است و بهلاوه بعضی امکان و در هر صورت بعد از انقضای کتباتهای نواب اداره بست ترتیب حمل مسافرین و بن آنها را توسط پستهای مرتب و با دستگاهای پستی فوق العاده در طرق یری و پستی ملکت مقرر و منظم خواهد نمود بعضی آنکه قانون مجازات وضع و رسماً اعلان گردید مسطورات فصل راجه به مجازات و عقوبات این قانون با متدرجات قانون مجازات موافق خواهد شد

مخبر - چون مواد راجع به مجازات این قانون بکسبیبون عدلیه رجوع شد که با مجازاتهای عمومی تطبیق شود آنوقت بمجلس پیشنهاد شود لهذا جمله آخرین ماده زیاد تراست و نباید حذف شود

رئیس - از عبارت (بعضیون) به بعد را بفرمایند

مخبر - بنی

رئیس - پس آقای مخبر جمله اخیر را مسترد میدانند در قسمت اول مخالفی نیست (اظهاری نشد) رأی میگیریم باین ماده که بهمان قسمت اول منحصر خواهد بود آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند (اکثر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد موادیکه ارجاع بکسبیبون شده است کی حاضر خواهد شد

عادل الملک - مخبر کسبیبون عدلیه - تصور میکنم تا بیک جلسه دیگر تمام شود و بمجلس بیاید اگر اجازه بفرمایند راجع بکسبیبون هم عرض دارم **رئیس** - حالا موقش نیست این مطلب تمام شود بعد بفرمایند عرض کردم بعضی موادیکه بکسبیبون بست و تلگراف رجوع شده است کی تمام خواهد شد

مبصر الملک - مخبر - آن مواد اصلاحیه امروز تمام میشود و برای جلسه دیگر طبع و توزیع خواهد شد و بمجلس خواهد آمد **رئیس** - مجالاً در دستور دیگر چیزی نیست

جز اینکه وقتیکه آقایان تشریف میبرند و در فریاد
انتخاب کنند بکنفرنسی آقای میرزا محمد علیخان
برای عضویت کمیسیون خارجه و بکنفرنسی بجای آقای
نجفقلی میرزا برای کمیسیون معارف و در نظر ناظر هم
بقرعه معین میشود از برای جلسه بعد هم چیزی نداریم
مگر قانون اطلاق تجارتنی و قانون رتبه نظامی
مبصر الملک - قانون اطلاق تجارتنی حاضر
است طبع و توزیع میشود و برای جلسه دیگر حاضر
میشود اگر منتهی بدانند ممکن است جزء دستور معین
بفرمائید و چون اگر مواد قانونی یستی را از برای
جلسه دیگر معین بکنیم شاید تا جلسه دیگر هم حاضر
نشود و ممکن است برای دو جلسه دیگر معین شود
ولی قانونی اطلاق تجارتنی حاضر است و ممکن است
جزء دستور جلسه بعد بشود
رئیس - باید رای گرفت آقای معین الدوله
قانون تجارتنی اظهاری دارید ؟
معدل الدوله - خیر راجع باین مطلب
هری ندارم
رئیس - آقایان رای دادند که قانون اطلاق
تجارتنی در جلسه آینده جزء دستور باشد
محمد هاشم میرزا - اگر قانون رتب
نظامی حاضر است طبعاً مقدم بر قانون اطلاق تجارتنی
است خوبست قانون نظامی را جزء دستور مقرر فرمائید
سردار سعید - خواستم عرض کنم که
کمیسیون نظام از اول حمل تا پنجم جوزا شانزده
جلسه منعقد شده است و قوانینی که از طرف وزارت
جنگ رسیده بوده یکی قانون ترفیع درجات نظامی
بوده و یکی هم ترتیب سرباز گیری بود قانون ترفیع
مراتب نظامی در شانزده جلسه با حضور معاون وزارت
جنگ مذاکره شد و تمام شد و طبع و توزیع هم شده
و خدمت آقایان هست اما برای قانون سرباز گیری
بعضی نواقص در کار بود که بنامش معاون وزارت جنگ
آن نواقص را بنویسد و بیارند و چهار جلسه است که ایشان
حاضر نشده اند و هنوز نیاز دارند ولی اگر صلاح میدانند
این قانون ترفیع درجات نظامی را که حاضر است و طبع
و توزیع هم شده است و بنظر آقایان هم رسیده و اطلاع
دارند جزء دستور قرار دهند
رئیس - معلوم میشود که آقایان میخواهند
بقانون نظام حق تقدم بدهند ولی بنده تصور میکنم
قانون دشانیات و مستقات از همه لازم تر است و
تا اکنون دو ماه است در کمیسیون مانده است و از
قرار معلوم کمیسیون مالمه هم منعقد نمیشود یعنی
بعضی آقایان اعضاء کمیسیون قوانین مالمه شکایت
دارند که غالباً اکثریت حاصل نمیشود از آقایان
استدعا میشود هر طریقت بقیه جلسه حاضر شوند و
زودتر این قانون را بگذرانند پس دستور جلسه
روز سه شنبه شورای اول در قانون نظامی خواهد بود
عدل الملک - خاطر آقایان مستحضر است
که معاون وزارت عدلیه در دو جلسه قبل از کمیسیون
عدلیه شکایت داشته و اینهم بواسطه تضاد اوقات
مجلس بود که مجلس عصر منعقد میشود کمیسیون عدلیه
صبح منعقد میشود ولی از آن زمانیکه مجلس صبح
منعقد میشود کمیسیون عدلیه طبعاً بطور مرتب تشکیل
نشده است و اغلب آقایان که عضو آن کمیسیون
هستند و در موقع حاضر نشده اند و حال اینکه همه

آقایان تصدیق خواهند فرمود که قانون مجازات از
همه قوانین که وضع میشود مهتر است و اگر مجلس
بگذرانند این قانون مسبوق شویک خدمت قضایی
باین مملکت کرده است ولی کمیسیون عدلیه آن
طوریکه باید تشکیل شود تشکیل نمیشود و اعضاء
آن حاضر نمیشوند
رئیس - از آقایان اعضاء کمیسیون عدلیه هم
همان خواهی راداریم که از اعضاء کمیسیون مالمه
داریم چون حالا هوا گرم است و جلسات مجلس
کمتر است و کمیسیونها وقت خواهند داشت بکار
های خود رسیدگی نمایند خوب است از یکساعت
بغروب مانده تا دو ساعت از شب گذشته کمیسیون
تشکیل شود و این دو فقره قانون مهم را که خیلی
لازم است بگذرانند از کمیسیون عرایض هم استدعا
دارم بیشتر از آنچه تا حال دایر شده است در جلساتشان
دائر شود زیرا خیلی از عرایض باقی و بلا تکلیف
مانده است در واقع هیئت رتبه مجبور شده است
که از نظامنامه تجاوز کنند و خودش بر عرایض
رسیدگی نماید
حاج شیخ محمد حسن گروسی - راجع
بکمیسیون ...
رئیس - اجازه میخواهند
حاج شیخ محمد حسن - بلی اجازه
می فرمائید
رئیس - بفرمائید
شیخ محمد حسن - بنده بواسطه حاضر
نشدن اعضاء کمیسیون عرایض استدعای خودم را
نوشته ام ولی آقای میرزا طاهر متولای خواهش
کردند که با سایر آقایان اعضاء کمیسیون یک
مشورتی در ترتیب تشکیل کمیسیون بنمایند چون هنوز
آن ترتیب را نداده اند لهذا بنده استدعا دارم و استدعای
بنده هم خدمت ایشان است چون برای کمیسیون
عرایض کمتر از چهار جلسه کفایت نمیکند و همینطور
که بفرمائید کمیسیون عرایض کما بیش جلسات
مرتبی نداشته است اگر غنی الحقیقه بهمان مرتبگی
که بوده است باشد بنده ناچار از عضویت آن کمیسیون
مستعفی هستم
رئیس - این جواب بنده نبود چه ابالی مغیر
هستید باید اطلاعات خودتان را بفرمائید و اکثریت
کمیسیون دفاع بفرمائید بنده عرض کردم شما استدعا
می کنید تأمل کنید
حاج شیخ محمد حسن - بنده تصدیق دارم
و می بینم این فرمایش را که بفرمائید بپور است
تفسیر با اعضاء کمیسیون است که در موقع حاضر نمی
شوند این است که خیلی از عرایض بلا تکلیف
مانده است
رئیس - امیدوارم بعداً اینطور نشود
سلیمان میرزا - اهمیت بودجه یک چیزی نیست
که بنده مجدداً تکرار کنم ولی همین قدر عرض میکنم
هر چه هست و نیست در بودجه است و بجهت است
نظارت در امور مالمه از وظایف منتهی مجلس شده
است اما متاسفانه می بینم که این دوره سیم تقیبه است
و هنوز موفق به دیدن بودجه نشده ایم و حال آنکه ماه
سیم است که از سال میگذرد و هنوز بودجه نرسیده
است و هر وقت مطالبه میکنیم میگویند مأمور

گذاشته ایم در وزارتخانه که بودجهها را زودتر حاضر
کنند و بفرستند و ما هم همین جهت که مأمور گذاشته
شده است زودتر بفرستند قناعت میکنیم در صورتیکه
از طرفی هم گفته میشود در بودجه دولت هشت کروور
کسر پیدا شده است و بعضی دیگر بودجه را یازده
کروور میگویند باینکه چنین کسر بزرگی ما بطور
می توانیم پیش از این سیر کنیم فرضاً اگر امروز هم
بودجه ما را آوردند و ما تبدیل کردیم و اصلاح کردیم
سه ماه قبل را اجرائی که نموده اند حقوق خودشان
را از روی آن بودجه که بوده است گرفته اند و باینکه
ضرر روزانه از فرستادن بودجه داریم و هیئت دولت
هم هیچ اهمیت به بودجه نمیدهند و وقتیکه ما قوانین وضع
میکنیم در اول مرحله باید بودجه معین شود و مسبوق
شوریم که باید مملکت ما بقتدر است تا اینکه بتوانیم
خارج خودمان را معین کنیم در حقیقت اگر یک کسری
داریم و بواسطه تعدیل بودجه اصلاح نشد شروع به
اضافه عایدات بکنیم در صورتیکه ما امروز و کلانی
هستیم که میدانیم خرج مملکت چه چیز است آنوقت
قانون رتب نظامی را معین بکنیم بنده بودجه خیلی
اهمیت میدهم و استدعا میکنم اگر آقایان نمایندگان
موافق هستند اول در امر بودجه دقت بفرمائید
زیرا باین تاکید که شده تا حال غیر از بودجه معارف
و عدلیه بودجه دیگری بکنیم بنده است در صورتی
که اصل بودجه جمع است که هنوز نیامده است اگر
آقایان موافقت یک تا کدی از طرف ریاست مجلس
بشود و یک مدتی قرار داده شود که بودجه ما را
بمجلس بفرستند علاوه بر این اگر آقایان فراموش
کرده اند یکی دو مرتبه که در تشکیلات جدید در
مجلس مذاکره شد رای دادم تا بودجه کل بکنیم
نیاید آن تشکیلات تأسیس نشده و یکی از آن
تشکیلات تشکیلات جدید عدلیه بود و یکی هم راجع
بمعارف بود که تشکیلاتش معطل است و همین ترتیب
هر کدام از وزارتخانه از قبیل زاندامری و نظمی
که اگر بخواهیم توسعه بدهیم موافق آن رای باید
توقیف بماند تا بودجه کل بمجلس پایده خوبست
وزراء زودتر جمع و خرج مملکت را تهیه کنند و
بمجلس بفرستند که اهمیت آن از تمام قوانین
بیشتر است
رئیس - بقرعه بنده صلاح در این است که
در جلسه آینده آقای وزیر مالمه را اطلاع بدهیم
تشریف بیاورند که اگر بعضی ملاحظات و معظورات
دارند در اینجا بفرمائید و در حضور ایشان تا کدی
بشود بهتر است آقایان فراموش نفرمائید وقتی که
تشریف ببرند بکنفر برای عضویت کمیسیون خارجه
و بکنفر برای کمیسیون معارف باید معین بفرمائید
(آقای سردار سعید و آقای دکتر حسینی
خان بحکم قرعه برای نظارت در استخراج آراء
معین شدند)
مدرس - جلسه را معین نفرمودید
رئیس - عرض کردم روز سه شنبه سه ساعت
قبل از ظهر دستور آن هم قانون رتبه نظامی
خواهد بود
(مجلس تقریباً يك ربع قبل از ظهر غنم
گردید)

جلسه ۵۱
صورت مشروح مجلس روز
سه شنبه نهم شهریور ۱۳۲۳
مجلس تقریباً دو ساعت قبل از ظهر در تحت
ریاست آقای موتمن الملک تشکیل و صورت مجلس روز
شنبه قرائت شد
غائبین با اجازه - آقایان میرزا قاسمخان منتظر -
السلطان - معده هاشم میرزا
غائبین بدون اجازه - آقایان ناصر الاسلام -
حاج شیخ اسمعیل
رئیس - در صورت مجلس ملاحظاتی است
(اظهاری نشد) ملاحظاتی نیست صورت مجلس تصویب
شد چنانچه آقایان مسبوق هستند دستور امروز
شور در قانون درجات نظامی است ولی اکنون اگر
مخالفی نباشد ۴ فقره اعتبار نامه های نمایندگان
طهران حاضر است قبل قرائت میشود و رای بکنیم
بعد شروع بقانون درجات نظامی بنمایند
(جمعی از نمایندگان تصدیق نموده و آقای
عدل الملک راپورت شبه اول را به مضمون ذیل
قرائت نمودند)
در تاریخ ششم شعبان ماه اولی دایره با اختیار نامه
آقای آقا میرزا طاهر تنگابنی نماینده طهران و صورت
مجلس انتخابات حوزه مزبوره رسیدگی نموده انتخاب
مژری ایه کاملاً موافق قانون بوده و شکایتی هم
نرسیده است لهذا شعبه اولی بانفاق آراء حاضرین صحت
نمایندگی آقای آقا میرزا طاهر تنگابنی را که
با اکثریت نسبی ۴۷۷ رای از ۱۱۴۲۸ نفر رای
دهندگان انتخاب شده اند تصدیق بنمایند
رئیس - راجع بانقلاب آقای میرزا طاهر
تنگابنی از طهران مخالفی هست یا نیست ؟ (اظهاری
نشد) آقایانیکه ایشان را بسمت نمایندگی تصویب
می کنند قیام نمایند
(اکثر نمایندگان قیام نمودند)
(نمایندگی ایشان تصویب و نیز راپورت شعبه
اول راجع بنمایندگی آقای میرزا هاشم باین مضمون
قرائت شد) در تاریخ ششم شعبان ماه اولی دایره
با اختیار نامه آقای آقا میرزا هاشم نماینده طهران و
صورت مجلس انتخابات حوزه مزبوره رسیدگی نموده
انتخاب مژری ایه کاملاً موافق مقررات قانون بوده و
شکایتی هم نرسیده است لهذا شعبه اولی بانفاق آراء
حاضرین صحت نمایندگی آقای آقا میرزا هاشم را
که با اکثریت نسبی ۳۴۷۴ رای از ۱۱۴۲۸ نفر
رای دهندگان انتخاب شده اند تصدیق بنمایند
رئیس - راجع بانقلاب آقای آقا میرزا هاشم
ایرادی هست یا نیست ؟ (مخالفی نشد) ایرادی
نیست رای میکنیم بنمایندگی ایشان آقایانیکه
نمایندگی ایشان را تصویب میکنند قیام نمایند
(اقل نمایندگان قیام نمودند)
(راپورت شعبه سیم را آقای مبصر الملک مغیر
شبه مزبور باین مضمون قرائت کردند)
در تاریخ یکشنبه هفتم شهریور ۱۳۲۳ سه
ساعت قبل از ظهر شعبه سیم در تحت ریاست آقای
حاج شیخ محمد حسین استرآبادی با حضور ۹ نفر
اعضاء منتقد گردید بصورت مجلس انتخابات طهران
و اعتبار نامه های آقای آقا سید محمد رضای مساوات

رسیدگی شد انتخاب مشارالیه موافق قانون انتخابات
انجام یافته و مطلقاً هم شکایتی نرسیده و از ۱۱۴۲۸
آراء مأخوذه آقای مساوات با اکثریت نسبی ۴۰۰۴
رای از طرف اهالی طهران و توابع بسمت نمایندگی
منتخب گردیده لهذا شعبه سوب بانفاق صحت نمایندگی
ایشان را تصدیق بنمایند
رئیس - در باب انتخاب آقای آقا سید محمد
رضای مساوات مخالفی هست ؟ (اظهاری نشد) رای
میگیریم آقایانیکه ایشان را بوکالت تصویب میکنند
قیام نمایند
(همه کنیری قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد سید فخره دیگر راپورت
شعبه سیم راجع بنمایندگی آقای وحید الملک است
قرائت میشود
(مضمون ذیل قرائت شد)
از تاریخ یکشنبه هفتم شهریور ۱۳۲۳ سه
ساعت قبل از ظهر شعبه سیم در تحت ریاست آقای
حاج شیخ محمد حسین استرآبادی با حضور ۹ نفر
اعضاء منتقد گردید بصورت مجلس انتخابات طهران
و اعتبارنامه آقای وحید الملک رسیدگی شد انتخاب
مشارالیه موافق مواد قانون انتخابات انجام یافته و
مطلقاً هم شکایتی نرسیده و از ۱۱۴۲۸ آراء
ما حوزه آقای وحید الملک با اکثریت نسبی ۳۷۲۹
رای از طرف اهالی طهران و توابع بسمت نمایندگی
منتخب گردیده لهذا شعبه سیم بانفاق صحت نمایندگی
ایشان را تصدیق بنمایند
رئیس - در خصوص انتخاب آقای وحید الملک
مخالفی هست یا خیر ؟ (مخالفی نشد) رای میکنیم
بنمایندگی ایشان آقایانیکه ایشان را بسمت بوکالت
تصویب میکنند قیام نمایند
(اقل نمایندگان قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد آقایان مسبوق هستند
که در جلسه گذشته از طرف آقای سلیمان میرزا
راجع بودجه اظهاراتی شد و چون آقای وزیر مالمه
تشریف نداشتند بنده متهم آن مذاکرات امروز با
حضور ایشان بشود حال آنکه تشریف آورده اند اگر
در این باب مذاکراتی هست در صورتیکه مخالفی
نباشد قبل از اینکه داخل در دستور بشوریم مذاکره
شود بعد شروع بدستور نمایم
سلیمان میرزا - در جلسه قبل بنده شرحی
راجع بودجه اظهار داشتم و البته بنظر آقای
وزیر مالمه رسیده و دیگر محتاج به تکرار
نیست اما چون در حضور ایشان نبوده لازم است
مختصری از اظهارات خود را مجدداً عرض کنم اهمیت
بودجه و اصلاح جمع و خرج يك مملکتی محتاج بطول
و تفصیل و شرح و بیان نیست هر چه هست در زندگانی
شخص و چه در زندگانی اجتماعی اساس اصلاح آن
بر روی مالمه است اگر يك مملکتی مالمه اش کاملاً اصلاح
شود و دارای يك اضافه دخلی هم باشد میتوان امیدوار
بود که روابصلاح میورد زیرا که اساس هر اصلاحی
مالمه است فرضاً اگر يك مملکتی بخواهد قوای تأمینیه
خودش را زیاد کند یعنی زاندامری و نظمی را در
ولایات و اطراف بسط بدهد محتاج مالمه است تا اینکه اگر
بخواهد معارفش را اصلاح کند و افکار مردم را باز
نماید و حقیقتاً آنها را از ترتیب زندگانی بشری آگاه
کند باز اگر تکلیف مالمه درست معین نباشد

هاجز خواهد شد و اگر فرضاً با فشار یکقدم جلو
برود در عرض ۲ ماه که بول نرسید باز عقب میروند و
ترتیب آن برهم میخورد مثلاً عدلیه که یکصد و چهل
هزار تومان از برای تشکیلات آن در ولایات معین
شده و بهترین همه کارها است و همچنین تشکیلات
معارف در ولایات بواسطه اینکه بودجه بمجلس نیامده
است معطل مانده اگر بودجه بمجلس میآمد جمع و
خرج را اصلاح می کردیم البته هم تر و بهتر تر چیزها
این بود که بودجه عدلیه و ولایات را تصدیق و تشکیلات
عدلیه را در ولایات تصویب کنیم که در سایر نقاط
مملکت هم عدلیه های منظمی باشد و ضعیفتر در همه جا
دائر شود در واقع تمام مردم از حیث احقاق حق
خودشان راحت شوند تصور میکنیم هر اصلاحی
که در ذهن متصور شود بدون بودجه و مالمه
صورت خارجی و وقوع پیدا نخواهد کرد
و همین دلیل است که در حکومت های مشروطه
و حکومت هاییکه ملت میخواهد اختیارات را بدست
خودش بگیرد روح همه چیز را در دست خودش
خودش میگیرد زیرا در قانون اساسی ذکر شده که
نظریات در نظام یا امته یا معارف یا عدلیه از
خصایص مجلس شورای ملی است بلکه همه این ها
را در یک مرکز جمع کرده و آن مالمه است و قرار
گذاشته شده است که مالمه در تحت اختیار مستقیم و
ونظارت مخصوصه مجلس باشد در مملکت ما که
مشروطه است و مجلس سهام هست در قانون اساسی
بهیچوجه بمجلس سهام حق داده نشده که در مسئله
مالمه مذاکره بکند و در مالمه فقط آراء مجلس
شورای ملی مستقیماً مؤثر است و هلنش همین است
که روح همه چیزها مالمه است چون اگر يك
تشکیلاتی را زائد و غیر لازم پیدا کنیم می توانیم
آنها در موقع تصویب بودجه حذف کنیم زیرا وقتیکه
ما از برای فلان تشکیلات پول ندهیم آن تشکیلات
پول ندهیم آن تشکیلات منحل میشود و اگر يك
تشکیلاتی را لازم بدانیم و خواستیم شعبات آنرا در
ولایات زیاد کنیم البته بودجه آنرا زیادتر میکنیم
پس هر چه هست در بودجه است و باین ترتیب در تمام
مدت حکومت ملی این مملکت بیچاره اصل و اساس
تمام مطالب که بودجه هست بمجلس نیامده در مجلس
اول مسئله بودجه بخرج و تعدیل وظائف و طبع
کردن يك کتابچه برای وظائف گذشت و در
مجلس دوم مدت شش هفت ماه لابتساع و کلا سؤال
کردند و اگر مذاکرات مجلس آن دوره را ملاحظه
بفرمائید معلوم میشود که مدت شش هفت ماه و کلا
در این باب مذاکرات نموده و تعقیب کردند مثل اینکه
پیش از جلسه قبل همینطور شروع به تعقیب این
مطلب کرده ام آنها هم تعقیب کردند و همینقدر يك
نمندی را که در آن دوره (با اقدامات مجدده) شنیده
شده بود می شنیدیم که وزراء در همین کرسی نطق
یا در محل های خودشان اظهار میکردند که (تعلیمات
لازمه داده شده است) بودجه را بمجلس بفرستند تا
اینکه بالاخره دوره مجلس منقضی شد و مجلس باین
نمیت عظمی نرسید که بودجه مملکتی را اصلاح و
بوظیفه واقعی خود عدل نماید در این دوره با اینکه
مکرر از وزیر می شنویم که هشت کروور یا یازده
کروور یا پنج کروور کسر داریم ولایتقطع صحبت از
کسر دخل است باز بودجه بمجلس نیامده و این

کسر هم اصلاحش بتوسط مجلس باید بشود بیشتر از چندین راه هم از برای اصلاح این کسر نیست با باید از مخارج زائده حذف کرد و بعضی مخارج را که لازم نیست فرضاً مثل انبار خانه که چهل یا سی هزار تومان می گفتند بوجه دارد باید کسر نمود و بعضی تشکیلات غیر لازم را در وزارت خانه محافظت کرد البته این راه هم کسر بوجه را کاملاً اصلاح نمیکند ولیکن تا یک اندازه محلی پیدا میشود و بعد از این راه راهی که میتوان بواسطه آن کسر بوجه را اصلاح نمود وضع مالیات است اگر امروز میخواهیم مالیاتی وضع کنیم متعلقاً ببنده تصور میکنم موقع نداشته باشد بجهت اینکه ممکن است مالیات دهندگان تصور کنند که این مالیات خرجش چه چیز است و بگویند سایر مالیاتی که ما مرتباً می پردازیم هنوز مصرف آن بر ما معلوم نیست و حساب جمع و خرج مملکت را نمیدانیم و البته هر کس که یک پولی را میدهد باید جمع و خرج آنرا بداند مگر و کلای آن مردم هستیم و در اینجا حاضر شده ایم و اولین وظیفه ما حفظ بوجه است هنوز بدبختانه در این سه دوره نمیدانیم بوجه و جمع و خرج مملکت ما چه چیز است و بوجه یک ممای لا ینصل باقیه فدا می یک طلسم مشکلی شده است و نمیدانیم این بوجه در کجاست و چه روزی از این طلسم خلاص میشویم یگروری را که روز سعادت میدانیم به پیشیم که بوجه جمع و خرج مملکت در روی میز و کلا و در جراند منتشر باشند بنده می بینم باین کسری که برای بوجه ذکر میشود چون لا ینقطع ماه بماه برداشته میشود هیچ قانونی هم به سابق خود حکم فرمائست هر روز و هر قدر بگذرد و بوجه در زیر مجلس بیاید و دیرتر شروع با اصلاحات آن بشود ما روزانه یک میلیی ضرر می کنیم حالا چه متماضر شویم بجهت چون هنوز بوجه نیامده معلوم نیست اگر کسر بوجه هشت کروڑ است بآن نسبت روزانه ضرر داریم و اگر بازده کرور باشد بهمان نسبت ضرر خواهیم داشت و این ضرر راه ما نمیدانیم بیچاره ما کوین ما میدهند و ما نمیتوانیم جریان این ضرر را بکنیم مگر اینکه اهم از همه کارهای خودتان بوجه را قرار دهیم امروز فرضاً قانون ترفیع درجات نظامی را که در مجلس مطرح شده بگذرانیم اما یک نظامی که بوجه نداشته باشد نظامی است که فقط در کتاب نوشته شده مثلا یک هفته صد هزار نفری نظام را فرض کنید اما اگر بول نداشته باشیم ماه بماه سرباز بهیم ممکن است یکصد هزار سرباز را یک میلیون یا صد میلیون قرض کنید هیچ تفاوت نمیکند یک آرزو و آمال خیالی است پس اگر نظام میخواهیم بیاید بر گردیم بستم بوجه این است که بنده متأسفانه با اینهمه مذاکرات و جدبتهایی که از طرف کمیسیون میشود غیر از بوجه معارف و عدلیه و اخیراً هم بوجه است و التکرار چیز دیگری ندیده ام در صورتیکه از همه مهمتر بوجه مالی است که باید درست در آن دقت کرد و دید آن افراط هائی که میگویند اصلاح شده است یا خیر اگر اصلاح نشده است اصلاح شود و همچنین سایر بوجه های عید منتهی بوجه وزارت داخله و وزارت خارجه که بکند هائی خیلی بزرگی در آنجا دیده میشود باید اصلاح شود

این است که بنده محض یاد آوری عرض میکنم آیا تاکی این بوجه ها را که آقای وزیر مالیه میتوانند بدهند آیا تمام ششم سال خواهد رسید آیا در ظرف یک هفته خواهد رسید ؟ خواست یک جواب قطعی بفرمایند که ما بدانیم چه روز رسماً دارای بوجه خواهیم شد و اگر ممانعی هم در اینکار هست که مجلس باید بر طرف کند بفرمایند تا بر طرف بکند **وزیر مالیه** - فرمایشات شاهزاده سلیمان میرزا خیلی صحیح است و مستحسن واضح تر از آن است که بنده عرض کنم فقط می توانم عرض کنم که بنده کاملاً با تمام جزئیات فرمایشات ایشان موافقم و چنانچه خودشان فرمودند و خاطر نمایندگان محترم هم مسوق است در اینصورت هفت سال دولت و مجلس هیچکدام موفق نشده اند که ترتیب یک بوجه بدهند و در این دوره اول دفعه است که باینکار شروع شده است و مدتی است دولت کمیسیون برای نوشتن بوجه ها تشکیل داده و تمام آنها هم نوشته شده است ولی متأسفانه در تغییرات کابینه دوسه وزارت خانه بوجه های خود را دوباره برده اند که در آنها تجدید نظر نمایند بعضی از آنها را مراجعت داده اند و مجلس آمده است و بعضی از قبل بوجه وزارت خارجه و وزارت داخله هنوز بکمیسیون بر نرفته است و بجهت این که بفرمودند که گویا آخرین بوجه داده اند امروز است که آن بوجه ها را بیاورند بنده شخصاً یک حدیثی در تمام بوجه ها داشتم و مخصوصاً خودم بآن کمیسیون رفتم و مدتی نشستم بوجه وزارت جنگ در آنجا بود تجدید نظر و تبادل افکار در آن کردم بوجه مرکزی آن تمام شده است بوجه ولایات وزارت جنگ هم منوط بنظر بیانات وزارت داخله بود آنرا هم قرار دادیم رئیس محاسبات وزارت جنگ ببرد بنظر خود آقای رئیس الوزراه برساند و وزیر داخله آن را تمام کند و مجلس بیاید اما در موضوع بوجه وزارت مالیه در این باب بنده بیچاره نبوده ام و غالب اوقات هم صرف اصلاح آن میشود و میخواهم یک بوجه از وزارت مالیه به مجلس بیاید که حقیقاً صحیح و مطابق صرفه دولت باشد اسامی مرتب شود فقط یک ملاحظاتی لازم دارد که گمان میکنم دو سه روزه تمام شود و مجلس بیاید بنده بهیچ معنی بفرموده ام (تعلیمات لازم و اقدامات مجدانه) را تجدید کنم عقیده بنده همین بوده است که در عملیات باید بجدیت کار را تمام کرده و بنده میتوانم بنمایندگان محترم اطمینان بدهم که در همین چند روزه بوجه مرتباً به مجلس خواهد آمد و تمام بوجه ها شاید زیادتر از یک ماه طول بکشد و کلیتاً بنده در مسئله بوجه یک نظری داشتم و میخواستم هیئت وزراء و هیئت مطور خاطر نمایندگان را مسوق کنم که جمع و خرج یارسال چطور بوده و چقدر مابقی داشته و چه خرج کرده ایم و در تمام این مدت هفت هشت سال هم هیچ صورتی نوشته نشده بود و بعضی از کارکنان وزارت مالیه چند روز مشغول اینکار شدند و صورت خلاصه از جمع و خرج نوشتیم و چند روز قبل بهیئت دولت دادم که دو سه ماضیه چقدر عاید شده و چقدر خرج شده و از روی آن میتوانیم بدانیم چقدر کسر بوجه خواهیم داشت و

لازم میدانیم آن صورت را قبلاً بکمیسیون بوجه ارائه بدهند که آقایان بکه در کمیسیون بوجه تشریف دلانند بدانند که عایدی مملکت ما چقدر است آن را در نظر بگیرند و بوجه مابقی که به مجلس می آید از روی آن مصارف لازمه را تصویب کنند و اما در موضوع کلیه جمع و خرج قانون کپه دول بر این است که مخارج لازمه را اول در نظر بگیرند و برای مخارج لازم پیدا میکنند بنده هم مخالف با این ترتیب نیستم الا اینکه مقتضیات مملکت ما امروز یک طوری است که ما نمیتوانیم با این ترتیب بوجه مملکت را اداره کنیم و ناچاریم باینکه عیاله و هذله سنه بوجه را با تخیل مخارج و وقت بدهیم و مخارج را کم بکنیم آنوقت شروع به تکثیر عایدات بکنیم و برای این مسئله هم بنده یک ترتیبی داده ام و گمان نمیکند آنقدر ها تفاوت حاصل شود اگر هم بشود یک چیز جزئی خواهد بود و آن راه هم به تکثیر عایدات می توانیم مطمئن شویم که در سال بعد تلافی خواهیم کرد اما اینکه ماضیه یا روزانه این مخارج کراف داده میشود و آنرا هم بنده معتقدم که صحیح است و برای این مقصود اقدام کرده ام و ولایات التکرار کرده ام که بازده که لازم است در ولایات اجازه نگاه بدارند و اجزاء زیادی را حذف کنند تا بوجه به مجلس بیاید البته آنوقت کم و زیاد آن بسته بنظر مجلس است و هر طور قرار دادند رفتار میشود باین نظر تصور میکنم یک مبلغ گزافی را ضرر نکرده باشیم و جلوگیری از مخارج کرده باشیم تا بوجه از مجلس بگذرد باز تکرار میکنم که امیدوارم بشرط حیات بتوانیم بزرگی این بوجه را به مجلس بیاوریم و از مجلس بگذرانیم **رئیس** - چند نفر از آقایان اجازه خواستند بعد از اظهارات آقای وزیر مالیه دیگر آقایان لازم میدانند مذاکرات تعقیب شود **مدرس** - بنده یک توضیحی میخواهم **رئیس** - بفرماید **مدرس** - میخواهم این مسئله را بر سر هم شاهزاده سلیمان میرزا فرمودند تا بوجه ها بگذرد حقوق بر طبق سابق داده خواهد شد و قانون در سابق تأثیر نمیکند بنده گمانم این است که همین خیال متشابه این شده است که وزارتخانه ها بوجه ها را عقب می اندازند و گمان میکنند هر چه عقب بیانند باز حقوقشان بترتیب سابق خواهد بود ولیکن بنده عرض میکنم چنین نیست بوجه غیر از قانون است در سابق تأثیر نمیکند ولیکن بوجه چه هر ساله چنانکه معمول است در آخر سال پیش باید بوجه سال بعد دوست شود و اگر درست بیاورند نشد نه این است که بترتیب سال سابق باید باشد اگر بوجه تا وسط سال هم درست نشود از اول حمل اجرا میشود حالا وزارت خانه ها خواهند بیاورند میخواهند بیاورند و بگذارند آخر حوت بیاورند بهر حال حقوق بر طبق آن بوجه قانوناً از اول حمل باید داده شود و ابتدا بترتیب سابق در حمل آید تأثیر ندارد و هر سالی باید بوجه اش علیحده تصویب شود پس خاطر تمام وزارت خانه ها را متعذر میکنم که میخواهند بوجه هایشان را بیاورند یا بیاورند تا بوجه نگذشته هر چه بآنها داده میشود علی الحساب خواهد بود حالا مختارند میخواهند زود بیاورند میخواهند دیر بیاورند

وزیر مالیه - بنده در این فرمایش که آقای مدرس فرمایند داخل شده ام و بعضی جاها که مانع نداشته است بهمین ترتیب قرار داده ام که بوجه از اول سال اجرا بشود ولی در بعضی موارد دچار اشکال خواهیم شد و گمان میکنم این را در حکم کلیه نمیتوان قرارداد و در بعضی موارد که می توانیم اجرا کنیم میکنیم در بعضی موارد که نمی توانیم ناچار این سه ماه را باید قائل شویم که بترتیب ماضیه حقوقشان ادا شود و از اول سرطمان اعلان عمومی شود چنانچه بنده در وزارت مالیه اعلان کرده ام که حقوق اشخاص بترتیبی که بوجه از مجلس خواهد گذشت تادیه خواهد شد **رئیس** - مذاکرات در این باب کافی است و امیدواریم هیئتوزیر که آقای وزیر مالیه وعده داده اند تا یکماه تمام بوجه ها به مجلس بیاید یک سئوالی هم آقای شرح اسدالله در باب دوازده هزار خروار جنس انبار دولتی کرده بودند بوزارت مالیه ابلاغ شد جواب را امروز میدهند یا روز دیگر **وزیر مالیه** - بلی امروز جواب میدهم **حاج شیخ اسدالله** - چند روز قبل در روزنامه ارشاد بکنفر میرزا ابوالقاسم نام قزوینی که بنده او را میشناسم و نه ملاقات کرده ام یک اعلانی منتشر کرده بود و در آنجا مینویسد که من حاضر هستم با دلائل و اسناد مدال کنم که دوازده هزار خروار غله در ظرف دو سال در انبار تقبل شده است و از برای اثبات این مطلب مستلزم شده است که هرگاه نتوانستم ثابت کنم اقل مجازات من تیرباران باشد یک چنین شخصی یک اعلانی در روزنامه کرده بعد از چند روز دیگر بنده شنیدم صدق و کذب او را نمیدانم که یک شب نامه برای او فرستاده شده است و علاوه بر این در حضرت عبدالعظیم یکی از اجزاء انبار او را ملاقات کرده و مذاکراتی با او داشته امی برهنید و تطبیح مطابق همین شرحی که در روزنامه اعلان کرده گویا هر بینه هم مجلس تقدیم کرده علاوه در روزنامه می نویسد که از برای اداره کردن انبار من حاضر هستم که ماهی سیصد تومان آنجا را با ضمانت بکنفر تاجر معتبر که خود وزارت مالیه ضمانت او را قبول کند اداره کنم ولی چون این مطلب خارج از ترتیب اداری است بنده کاری ندارم ولیکن راجع بوضع اول که بنظر بنده اساسی می آید باید دولت و وزارت مالیه مخصوصاً این مطلب را تعقیب کند و او را در این مجلس و محکمه بخواند که مطالبش را اظهار کند و اسناد خودش را ارائه بدهد و ثابت کند آنوقت اگر این اعلانی را که در روزنامه نسبت بیک اداره مهم دولتی مثل اداره انبار که بقدر محل توجه است و باید یک اشخاص صحیح العملی در آنجا تصدی کار باشند کرده است اصل دارد و توانست ثابت کند که یک خدمت فوق العاده بدولت کرده و باید مباشرین و متصدیان انبار مجازاتهای خیلی سخت بکنند و این شخص را که این کار را کرده است مورد مرحمت قرار بدهند و یک انعام فوق العاده در مقابل این خدمت با و اعطاء شود و اگر هر آتیه یک اعلان بی اصلی در روزنامه کرده و مطابق آن اعلان هر بینه هم به مجلس داده نتوانست این مطلب را ثابت کند آنوقت این شخص باید یک مجازات خیلی سختی بشود سکه نسبت بیک همچو اداره

تست باین بزرگی نزنند بنده از آقای وزیر مالیه سئوال میکنم که آیا در این موضوع و این اعلان اقدامی فرموده اند ؟ و آیا صدق و کذب این مطلب بر وزارت مالیه معلوم شده است یا خیر و اگر اقدام نکرده اند چرا نکرده اند و اگر میخواهند اقدام کنند تاکی این اقدام را خواهند کرد و با اطلاع نمایندگان خواهند رسانید **وزیر مالیه** - بنده و تمام اشخاصی که وطن - خواه باشند باید ملاحظه و فکر کنیم که وقتی یک چنین آدمی می آید و میگوید من ثابت میکنم دوازده هزار خروار افراط و تفریط یادزدی در انبار دولت شده است مسلماً قابل انکار نیست که اگر این آدم بتواند دعوی خودش را ثابت کند مستحق خیلی مهربانها و جایزه ها و انعام ها خواهد بود برای اینکه یک خدمت بزرگی کرده است بنده نمیتوانم معتقد باشم که هیچ فردی و تقبل در انبار نشده است و نمیتوانم هم معتقد باشم که این آدم بتواند ثابت کند که در دو سال دوازده هزار خروار در انبار تقبل شده است ولی بهتر این آدم عرض اینکه در روزنامه مینویسد هر بینه به مجلس بدهد یک مختصر پیشنهادی بوزارت مالیه میداد و خودش را معرفی میکرد مسلم است وزارت مالیه با کمال میل او را قبول میکرد و عقاید او را استنباط میکرد و بر سریدگی اینکار مشغول میشد ولی متأسفانه باینکه هر بینه به مجلس داده است و در روزنامه هم اعلان کرده است ما او را میدانیم بکنیم و نمیدانیم کجا است و چه جا است و آدرس او چیست البته ما این مسئله را تعقیب خواهیم کرد ولی خیلی شایسته و سزاوار بود که در اظهار یک چنین خدمتی آن قسمت اخیر را اظهار نکرده باشد که من بفلان مبلغ انبار را اداره میکنم از این مطلب همچو مفهوم میشود برای نفع شخصی بوده یا شاید هم نبوده است ولی عرض میکنم اداره انبار و همچنین سایر عایدات دولتی را وزارت مالیه نمیتواند مقاطعه بدهد شاید بشود بعضی جزئیات را استثناء فراد داد در صورتی که صرفه دولت باشد مقاطعه داده شود ولی انبار از چیز هائی است که وزارت مالیه نمیتواند مقاطعه بدهد برای اینکه ترتیب مقاطعه را در سنوات قبل دیده ایم و خود بهر حال صحیح نخواهد بود وزارت مالیه یک مخارجی برای انبار نوشته است و صورتش هم حاضر است و گویا بیکروز هم در مجلس عرض کردم که از مخارج سابق خیلی کمتر خواهد شد و باید این ترتیب بوضع اجرا گذاشته شود البته این آدم هم اگر یک پیشنهادی داشته باشد که مقرون بصرفه دولت باشد وزارت مالیه با کمال میل قبول خواهد کرد و راپورت تحقیقات را هم بعد برض مجلس خواهم رسانید **حاج شیخ اسدالله** - در قسمت اخیر خود بنده هم عرض کردم که چون این عنوان مقاطعه است داخل در این موضوع نمیشود و فقط نظر آقای وزیر مالیه را بآن پیشنهادی که آقای میرزا قاسم خان کردند و مجلس هم تصویب کرد مسوق میکنم و در اینجا راجع بانبار دولتی مذاکره شد که ۳۶ هزار تومان بوجه او هست و باید بوجه او را فوراً نوشت و بعد از گذشتن از کمیسیون بوجه بوضع اجرا گرفته شود نظر وزارت مالیه را بآن مطلب جلب میکنم و تقاضا میکنم همانطور بوضع اجرا گذاشته شود و یک حیف و میل باین مبنی فکر در آنجا نشود

امادر آن موضوع که میفرمایند این شخص معلوم نیست کیست و آدرسش چیست اسمش را در روزنامه نوشته و آدرسش و نمره خانه اش را هم مینماید کرده و تمام جزئیات خودش را معرفی کرده است که هیچ مورد شبهه نشود و از قراریکه مینویسد حضرات در یک محکمه مطالب خود را با یک اسناد دولتی ثابت کند **وزیر مالیه** - بنده بوجه انبار را ۲۰ روز پیش نوشته ام ولی بواسطه بعضی جهات که نمیتوانم شرح بدهم تا امروز تأخیر افتاده است ولی بوضع اجرا خواهیم گذاشت این آدم را هم مخصوصاً میخواهم و مجلس قرار میدهم که بتواند مطلب خودش را اظهار کند و آنچه را اعلان کرده ثابت کند بعد نتیجه را برض میرسانم **رئیس** - دستور امروز ترفیع درجات نظامی است در کلیات این قانون اگر ایرادی هست بفرمایند **حاج شیخ اسدالله** - در کلیات این قانون ترفیع رتب نظامی بنده یک مرضی دارم و آن این است که قانون ترفیع رتب فرغ قانون نظام استدر ابتدای این قانون بعضی مواد نوشته شده است و اوج سرباز گیری که خیلی مختصر و مجمل است و در واقع معلوم نیست چیست نوشته شده است سرباز گیری مطابق معمول قدیم خواهد بود و معلوم نیست معمول قدیم از روی چه زمینه بوده است و بعقیده بنده باید قبل از قانون نوشته شود و بعد از نوشتن آن وقت داخل در ترفیع رتب نظامی شده و تا وقتی که قانون نظام نوشته نشده بنده عقیده ام اینست ترفیع رتب نظام موهومی را نباید موضوع مذاکره قرار بدهم و اوقات مجلس را صرف اینکار بکنیم **سردار سعید مخبر کمیسیون نظام** - در قسمت اول فرمایش آقای حاج شیخ اسد الله که بنده نبودم حالا که آمده قسمت اخیر فرمایش ایشان بوده و مفرمودند که قانون نظام باید نوشته شود بعد از اینکه قانون نظام نوشته شد آنوقت برویم سر قانون ترفیع رتب بنده اولاً از آقای حاج شیخ اسدالله سئوال میکنم که بفرماید قانون نظام چیست و مقصودشان از قانون نظام چه چیز است این را توضیح بدهند تا بنده جواب عرض کنم **سردار معظم** - بنده شخصاً خیلی آرزو مند بودم که یک دست اعظم وقت مجلس مصروف اصلاحات نظام مملکت بشود و متأسفانه می بینم این قانون که پیشنهاد شده است احتیاجات حالیه فوریه نظام و همچنین احتیاجات مملکت را رفع نمیکند و عقیده بنده این است که باید مطالب مهم متوجه شد نه یک مطالبیکه بوجه سوم اهمیت و ادارات در اینجا ممکن است دو نظر مختلف در کار باشد و بعضیها شاید عقیده شان این است که بدون مراجعه با احتیاجات امروزی مملکت باید بطور کلی قوانین را نوشت و در یک کناری گذاشت تا بعد موقع اجرای آن برسد این یک نظری است ولی بعضی آن عقیده را ندارند و بنده هم از آن اشخاصی هستم که این عقیده را ندارم و عقیده ام این است که قانون را مقنن باید فقط در یک موقتی بنویسد که احتیاج بآن را حس کرده باشد و مطمئن باشد که این قانون اجرا میشود و الا علاوه بر اینکه از آن قانون نتیجه حاصل نمیشود یک ضرر

بداخلاقی هم متدرجاً برسد متوجه میشود و متأسفانه این ضرر در ملک ما جاری شده است و باید سعی کنیم و جلوگیری کنیم زیرا وقتی که قانون نوشته شده و وسائل اجرای آن موجود نبود طبیعتاً چرا نخواهد شد آنوقت احترام قانون از نظر مردم میرود وقتی که مردم عادت کردند باینکه یک قانونی که نوشته شده اجرا نمیشود هیچ قانونی در مملکت نخواهد شد و آنوقت قوانینی که از برای مملکت وضع شده اجرا نشد یک تجمعی است که یک موقمی را گذرانده اند و نوشته اند و برخواستند و یک قانونی نوشته اند و در یک کتابی گذاشته اند و هیچ بان عمل نمیشود در این قانون دومطلب است که مخلوط بهم است یکی اینکه چهار پنج ماده اش راجع است بطرز سر باز گیری که بنده کاملاً باین قسمت موافقم زیرا محل احتیاج ضروری امروزی مملکت است یعنی تکلیف قطعی امروزی سر باز گیری است و بنده کاملاً موافقت دارم که در مجلس تکلیف معلوم شود ولی بنده آرزو مند بودم که بیرون نظام این دو مطلب را از هم تفکیک نمیکرد و در دولا به پیشنهاد میکرد آنوقت بنده در آن قسمت سر باز گیری خیلی جدی و موافق بودم که تکلیف سر باز گیری مین شود یک قسمت دیگر این قانون که راجع بتفریح رتبه های نظامی است بنده مخالفم و چون موافق خیلی زیاد است و در مواد نمی توانم مخالفت خود را عرض کنم این است که در کلیات عرض میکنم چون قبل از اینکه بشواید قانونی برای رتبه نظامی بنویسند ابتداءً آنچه چیز را بطور مقدمه باید طی کنند یعنی ابتداءً یک بنای سابق معکوس را برای نظام قائل شوند و نظام را کلیه بر روی یک اساس معکوس بگذارند و آن تشکیلات قطعی را که میخواستند و دست بندهای نظام را مین بکنند و از نقطه نظری می بینم که معطلن شوند و بالاخره بعد از اینکه رای تشکیلات نظامی را مین کردند و معطلن شدند که این تشکیلات از روی کافه تخطی خواهد کرد و وجود خارجی پیدا خواهد کرد و مثل ترتیب گذشته بنا تمام اصلاحات در قورمه منجر با چهار یک عده در مرکز نخواهد شد که بعد بواسطه نرسیدن پول آن عده متفرق نشوند آنوقت پس از اینکه این دوسه مقدمه طی شد معلوم است آن دستجاتیکه دعوت میشوند صاحب منصب لازم دارند و چون صاحب منصب هم باید ترفیح رتبه اش در مقابل خدمت و خدمت محدود بیک حدود قانونی باشد باید قانون ترفیح رتبه نظامی نوشته شود بنا براین بنده تصور میکنم بهترین است که این لایحه را دو کمیسیون نظام تجزیه و تفکیک کنند و آن قسمتی که راجع بسر باز گیری است چون امروز خیلی محل احتیاج است بمجلس بیاورند و بگذرد و آن قسمتی که راجع بتفریح رتبه است آنرا موکول بیک وقت دیگری بکنند که موافقت بیشتری و وسائل اجرای آن بیشتر از حالیه موجود باشد.

مخبر - اولاً آقای سردار معظم فرمودند که من در کلیات مخالفم در حالیکه بنده تصور میکنم کلیتاً مخالفت ندارند یعنی میفرمایند خوب بود این قانون تجزیه میشد و بکسرت آن که راجع بسر باز گیری است و مهم است میگفتند و بکسرت دیگری که راجع بتفریح رتبه است میماند برای وقتیکه احتیاجمان بآن بیشتر از حالیه باشد بنده تصدیق میکنم همینطور

است که میفرمایند ولی ترتیب نظام مثل یک رشته زنجیر میباشد که بهم متصل است و خیلی مشکل است که بیک قانونی را که راجع بنظام است میتوانیم تجزیه کنیم و هر قسمت آنرا در یک مورد بگذاریم مأمور هستیم بیک قانونی را که وضع میکنیم از اول تا آخر آنرا بگذرانیم تا تکلیف معلوم شود اما اینکه فرمودند بعضی شاید بآن قانون عمل نکنند و اسباب بداخلاقی اهالی شود و قانون اجرا نشود و در بوطه اجمال بنده عرض میکنم این دلیل نمیشود هر قانونی ممکن است خوب عمل شود و ممکن هم هست هیچ عمل نکنند این دلیل بدی قانون نیست زیرا بهترین قوانین عالم قرآن است و ممکن است بعضی بآن عمل نکنند اما اینکه فرمودند این قانون احتیاجات امروز را پیش بینی نمیکند بنده عرض میکنم ترتیب نظام یک صورتی دارد که اگر مملکت احتیاج بنظام داشته باشد باید از (الف) شروع کنند و به (ب) ختم نمایند و ممکن نیست تجزیه شود اگر میخواهد نظام داشته باشد مجبورید همین شکلی که نوشته شده است شروع بکنید و تمام این قانون را کاملاً بگذارید بعد عمل کردنش بسته ببودجه مملکت و برای مجلس شورای ملی است **رهیسی** - این قسمتی که امروز مطرح است کدام یک از آن قسمتهاست ؟

مخبر - قسمت سر باز گیری است که آقای سردار معظم تصدیق دارند .

رهیسی - چون آنروز راجع بقسمت سر باز گیری فرمودید حاضر نشده است و قسمت ترفیح رتبه حاضر است و ما هم آن قسمت را جزء دستور قرار دادیم **مخبر** - عرض کردم این قانون اسمش قانون ترفیح درجات نظامی است ولی اول از سر باز گیری که دارای شش ماده است شروع میشود بعد بتفریح درجات نظامی میرسد

رهیسی - پس معلوم میشود این قانون قانون اساسی نظام است . آقای سلطان العلماء مخالفند ؟

سلطان العلماء - بلی با فرمایشات آقای سردار معظم مخالفم .

رهیسی - پس موافقت .

مدرس - عرض بنده با اینکه بر حسب ظاهر خارج از وظیفه من است ولی چون وظیفه من است عرض میکنم دو چیز در مملکت توأمند که فریضه اهالی مملکت است که باید تمام قوای خودشان را برای این دو چیز صرف کنند و این دو چیز مقدم تر از تمام چیز ها است یکی مالیه است و یکی هم نظام و مملکتی که این دو چیز را ندارد مثل مملکت ما است که در حقیقتاً مملکت نیست و واقعیت ندارد فقط اسم است ولیکن ترفیح رتبه مثل این است که ما در مجلس مذاکره کنیم و خوبست دو تا ممانع بسازیم یکی هشتصد ذرع باشد و حال اینکه نه پول داریم و نه نوبت به خارج آن رسیده است مذاکره ترفیح رتبه را کردن غیر از اینکه مملکت صاحب منصب و شمشیر بند و حقوق بر زیاد میکند دیگر هیچ فائده ندارد بنده عرض میکنم ترفیح رتبه بخدمت است پس باید اول یعنی در همین مجلس اگر آقای رهیس بفرمایند مطابق قانون است شروع کنیم قانون سر باز گیری قانون سر باز گیری را کاملاً بنویسیم بعد از آن که

دارای سر باز شدیم آنوقت شروع قانون ترفیح رتبه کنیم و این هم از واجبات ذیل است نه از واجبات حرفی از واجبات ذیل است که ما سر باز داشته باشیم و حافظ مملکت داشته باشیم و حافظ ثنور داشته باشیم آنوقت البته وقتیکه سر باز گرفتیم پیشنهاد میکنند که بعد از خدمت ترفیح رتبه داده شود پس مابین این دو مطلب خیلی فاصله است یعنی با هم قرب ندارند که ما اسمش را قانون ترفیح رتبه بگذاریم پس بنده بکلی مخالفم بواسطه اینکه بعد از تجربیات این چند سال دیدیم این اشخاصی را که تا حال داشتیم ما را بجای نرسانیدند و باید فکری بکنیم که ما را نجات بدهند بعد هم که داخل در اوادشوم عرض خود را خواهم کرد

مخبر - اولاً از قراریکه مخالفت شدید آقای صحبت قشون اجباری را میخواستند بفرمایند عقیده آقا صحیح است و بنده تصدیق میکنم و باید همین طور باشد ولی قسمتی که در اول این قانون نوشته شده است موافق است امروز از برای سر باز گیری اجباری هست بیک قدری شرح داده شده است و در آنجا مخصوصاً قید شده است که هر ساعت رفع آن موانع شد با وضع بکانون جدید فوراً صورت تغییر خواهد کرد و نظام مملکت ما اجباری خواهد بود و بنده در جزئیات آن عرض خود را خواهم کرد اما در اینجا بنده گمان میکنم آقا درست رایورت کمیسیون که خدمتشان تقدیم شده است ملاحظه فرموده اند اینکه میفرمایند ترفیح رتبه هیچ فایده برای ما ندارد جز اینکه یک عده شمشیر بند زیاد میکند عرض میکنم این اشتباه است بجهت این که اگر شما سر باز نداشته باشید بطور می توانید شمشیر بند داشته باشید یا اینکه در همین قانون مخصوصاً قید شده است که کسی بر تبه سلطانی نرسد مگر اینکه دارای یک گروهان سر باز باشد پس اگر صاحب منصب شمشیر بند دارای یک قسمت ابواب جمعی نباشد شمشیر بند نخواهد بود و تکلیف آنها در این قانون کاملاً معلوم شده است که از چه قرار است از کجا معلوم شد که بعد از وضع این قانون شروع بزیاد کردن شمشیر بند خواهد شد البته حالت نظام یک نقشه را دارد که از برای یک بتائی کشیده میشود در این نقشه باید تمام جزئیات کشیده شود تا اینکه شروع ساختن آن بنا بکنند و این بدیهی است که اول باید چوب او را حاضر و بعضی لوازمات او را حاضر کرد تا شروع بکار بشود اگر ما یک قسمت آنرا حاضر بکنیم از برای قسمت دیگری معطل خواهیم ماند و شاید آن قسمت دیگر هم از میان برود بنده عرض میکنم آنروزیکه بخواننده نفر سر باز داشته باشید مجبور خواهید بود یک نفر ده باشی داشته باشید و جز از روی قانون نظام و قانون ترفیح دو سه ممکن نیست شما بتوانید سر باز بگیرید و ترتیب ترفیح رتبه نظام را بدیده یالینکه هر وقت یک رسد بیست و پنج نفری بخواننده داشته باشید مجبورید یک وکیل داشته باشید و هر وقت خواسته باشید صد نفر سر باز داشته باشید مجبورید یک سلطان داشته باشید باین لحاظ این قانون توأم باید تصویب شود که امتیاز قضای و خدمتی در کار باشد و اگر اینطور که میفرمایند بخواهیم امروز سر باز را تهیه کنیم بدون اینکه در جات خدمت صاحب منصبان نظامی معلوم شود حالت بیشتر صاحب منصبان امروزه را پیدا

خواه کرد که این درجات را طی کرده اند و این جهت ملت و مملکت نتوانست آن استفاده را که لازم است از وجود صاحب منصب بکنند مینمایند .

سردار معظم - در یک قسمت اظهارات بنده برای آقای مضر سوء تفاهم شده است گویا تصور کرده اند بنده در ابتداء مخالف بودم و آخر موافقت کردم در حالی که بنده عرض کردم این لایحه که خدمت ماده است نفعاتی ندارد آن راجع بسر باز گیری است و باقی مواد راجع بتفریح رتبه های نظامی است و برای اینکه در هر ماده جدا جدا مخالفت نکرده باشم مجبور بودم باین لایحه مخالفت بکنم و عرض کردم که اگر مسئله سر باز گیری را از مواد راجع بتفریح رتبه های نظامی تفکیک میکردند با آن قسمت اولی موافق میشدم و حالا که تفکیک نشده است مخالفت بنده باقی است اینکه فرمودند سلسله نظامی مربوط بهمیدگر است بنده هم تصدیق دارم و خودشان هم تصدیق خواهند فرمود که بنده چندان از این سلسله بی اطلاع نیستم و هرائی کسی که میبینم از روی اطلاع است با وجود اینکه این سلسله بهمیدگر مربوط هستند ممکن است آنها را از هم تفکیک کرده و بعد بتفریح تقدم و تا رعایت الامم فالاهم آن سلسله های مهم را از اول بگذاریم و اجرا کنیم وقتی نتیجه گرفتیم آنوقت سلسله درجه دوم را تهیه کنیم بعد درجه سوم را آن وقت آنها را جمع کنیم و یک سلسله همی درست کنیم و این سلسله های نظام بهم مربوط است نمی تواند دلیل خوبی این قانون واقع شود زیرا در نظام یک چیزهایی است که اساسی است و یک چیزهایی نقش و نگار و رنگ و روغن است اساس نظام سر باز گیری است تا وقتیکه تکلیف سر باز گیری مین نشده است تا وقتیکه ما نمیتوانیم مسئله سر باز گیری چیست تا وقتیکه ما نمیتوانیم تشکیلات نظامی بطور خواهد بود تا وقتیکه نمایانیم در بودجه خودمان چه مبلغ برای قشون خودمان می توانیم تخصیص بدهیم و بیارت دیگر تا وقتیکه می گذارند بنده است اگر بخواهیم به نقش و نگار بپردازیم و بگوئیم این نقش و نگار را حاضر کنیم در حالیکه مطمئن هستیم اجراء نخواهد شد و بگوئیم میگذاوریم کنار هر وقت موقع رسید اجراء خواهیم کرد البته در قانون گذاری این نظر غلط است همیشه نظر مقنن در قانون گذاری باید با اجرای قانون باشد که رفع احتیاجات محسوسه مملکت را بکند و الا آن قانون قانون نیست بلکه یک کتاب فلسفه است که باید در کتابخانه گذاشت در اینجا زیاد بر این عرض نمیکند و دلائلی که دارم همان بود که عرض کردم و این هم که بالا عرض کردم برای این بود که در اینجا درج شود و وقتیکه قانون ترفیح رتبه های نظامی از مجلس گذشت بگویند یک کسی مخالف بود و پیش بینی کرد که این قانون اجراء نخواهد شد

معاون وزارت جنگ - خیلی اسباب سعادت است که امروز نمایندگان ملت متوجه باهویت نظام شده اند یعنی برای نظامیان اسباب سعادت است در این لایحه که بمجلس مقدس تقدیم شده است مسئله سر باز گیری کاملاً توضیح داده شده است و آنچه اساساً صحیح است باید سر باز گیری با اصول

اجباری باشد تنها بواسطه بعضی موافقی که هنوز تشکیلات مملکت صلاح نمی دانند اصول اجباری عومی را بطور اجراء بگذاریم اینست تا مدتی که نمیتوانیم آن اصول را اجراء کنیم همان سیستم سر باز گیری قدیم که اصول اجباری خصوصی است بهترین اصول است منتها باید نواقض را رفع کرد و همانطور که عرض شد وزارت جنگ صلاح میدانند این مسئله صورت قانونی پیدا کند و بطور خلاصه هم در مقدمه لایحه که مشتمل است بر سر باز گیری و سلسله مراتب و ترفیح درجات نظامی مفید شده است و لازم است این نکته را برای اطلاع خاطر نمایندگان محترم متذکر شود که اوضاع مملکت ایران طوری است که بواسطه حمایتهای خصوصی و بواسطه اقسام مختلفه دیگر که مناسب نمیدانم در اینجا شرح را عرض کنم بهترین نکات نظامی که مسئله ارتقاء رتبه است می افتد است و وزارت جنگ این مطلب را خیلی لازم میدانند بجهت اینکه اگر فردا من بخواهم ده تا سر باز بیارم ناچار یک صاحب منصب میخواهم و همان صاحب منصب باید بدانند که یک قانونی از او حمایت خواهد کرد و حیثیت و قدمت خدمت و شرافت او را حفظ می کند بنده تصور میکنم با اوضاع حاضره اکنون مملکت وزارت جنگ ولو به ترتیب یک قسمت کوچک از تشکیلات نظامی بدون این قانون با اصول صحیح نتواند موفق شود لهذا این لایحه را پیشنهاد کرده و تصویب آن را از مجلس مقدس تقاضا می کنم .

رهیسی - گویا مذاکرات در کلیات کافی است پیشنهادی از طرف آقای مدرس رسیده است قرائت می شود رای می گیریم .

(بمضمون ذیل قرائت شد)

پیشنهاد می کنم که مطرح مذاکره خصوص مواد سر باز گیری باشد

رهیسی - مقصودشان این است که این لایحه تفکیک شود آن قسمت که راجع بسر باز گیری است و ماده مطرح مذاکره شود .

سردار سعید - بلی همانطور که نوشته اند مواد سر باز گیری مقدم نوشته شده است .

رهیسی - صحیح است ولی وقتی که در کلیات شروع بنده کردیم همچو معلوم میشد که این دو لایحه کل محسوب میشود مقصود ایشان اینست که این دو لایحه تفکیک شود و تشریح شود که ۲ لایحه مجله است آقای مدرس توضیحی راجع به پیشنهاد دارید بفرمایند ؟

مدرس - همانطوری است که فرمودید و زیاد تر از این توضیح لازم نداده بنده پیشنهاد کردم در قانون سر باز گیری مذاکره شود بعد از آن که از او فارغ شدیم آن وقت قانون ترفیح رتبه مطرح شود .

مخبر - بنده بکلی مخالفم همانطور که عرض کردم هر وقت دولت بدنه فرمیرزا احتیاج پیدا کند مجبور است یک ده باشی داشته باشد و ممکن نیست این مسئله بدون درجه و ترتیب فضیلت که خدمت نظامی مین شود مجبوراً باید همین طور که این قانون نوشته شده مرتباً از مجلس بگذرد

مدرس - عرض بنده این است این فرمایش که میفرمایند سر باز صاحب منصب می خواهند

قانون سر باز گیری قانون سر باز گیری صاحب منصب نمیشود بنده عرض میکنم مقصود ما این است اول قانون سر باز گیری را بخواهیم و به بینیم چه اساسی دارد و وقتیکه ترتیب آن مین شود آنوقت مشمول قانون ترفیح رتبه نظامی شویم که بجهت ترتیب باید ترفیح رتبه داده شود عرض بنده با جناب عالی تفاوت ندارد و بنده میگویم آن قانونیکه راجع بتکلیف سر باز گیری قبلاً مطرح مذاکره شود بعد که فارغ شدیم و مقضی شد در قانون ترفیح رتبه مذاکره شود این دو قانون با هم بنده که سر رشته ندارم کم میشوم شاید بعضی آقایان هم کم شوند .

مخبر - هر چه فکر میکنم اختلافی بین فرمایش خودم و فرمایشات آقای مدرس نمی بینم میفرمایند اول قانون سر باز گیری مطرح شود همینطور هم نوشته شده است از ماده اول شروع قانون سر باز گیری میشود اگر فرمایشی در آن باب دارند در موقع مواد بکنی بکنی خواهند فرمود گمان میکنم اینقدر مذاکره لازم نباشد وقت مجلس را بیشتر از این تلف کنیم **رهیسی** - نه خیر اینطور نیست که میفرمایند مقصود آقا این است که صفحه اول این لایحه را با یک قانون مخصوص محسوب کنیم شور اولش که تمام شد برود بکمیسیون بعد با فاصله یک مدتی برای شور دوم بمجلس بیاید بعد از اینکه شور دوم این شش ماده تمام شد و رای گرفتیم آنوقت داخل در یک قانون دیگری که راجع بتفریح درجات نظامی است بشویم ولی جناب عالی میفرمایند بعد از اینکه شش ماده تمام شد ماده اول قانون ترفیح درجات قشونی را بخواهیم .

مخبر - پس اگر اینطور است فرمایش بنده با ایشان اختلاف دارد بنده عرض میکنم نظر وزارت جنگ و کمیسیون نظام این است که این دو قانون با هم دیدگر از مجلس بگذرد و یکی بدون دیگری ناقص است باید مرتباً از مجلس بگذرد و تمام شود و بعداً برای شور ثانی دو باره از سر شروع شود اگر اینها را از هم دیدگر تجزیه کنیم ناقص است .

رهیسی - گویا مطلب واضح باشد آقای مدرس پیشنهاد میفرمایند که این قانون تفکیک شود و قانون باشد یکی راجع بسر باز گیری و یکی راجع بتفریح درجات نظامی حالا رای میکنیم به پیشنهاد ایشان آقایانی که این پیشنهاد را تصویب می کنند قیام نمایند .

(عده قبلی قیام نمودند)

رهیسی - تصویب نشد - رای میکنیم داخل در مواد این قانون بشویم یا خیر آقایانیکه تصویب میکنند داخل در شور مواد شویم قیام نمایند .

(عده قبلی قیام نمودند)

رهیسی - تصویب نشد - لایحه رد شد . مواد قانون پستی که بکمیسیون رجوع شده بود حاضر شده است یا خیر ؟

مخبر کمیسیون پست و تلگراف - هنوز حاضر نشده تصور میکنم برای روز پنجشنبه حاضر شود .

رهیسی - برای روز پنجشنبه حاضر میشود .

مخبر - بلی تصور میکنم حاضر شود چون امروز عصر کمسیون منعقد میشود .

مذاکره میکنیم برای جلسه بعد اگر تماشا هم حاضر نشود یک قسمت حاضر خواهد بود .

